

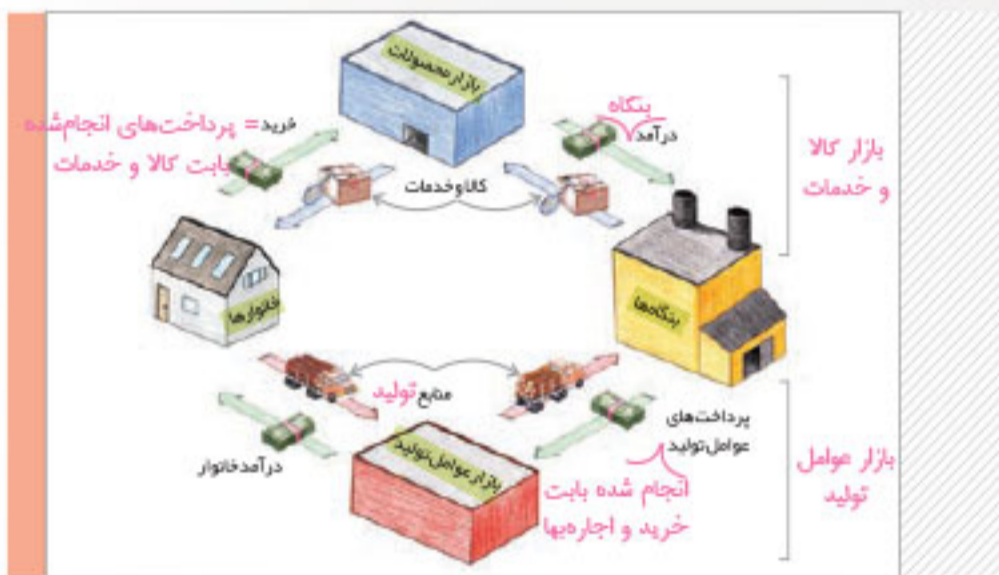
بنگاه و خانوار در اقتصاد

۱ دو گروه از مهم‌ترین تصمیم‌گیرندگان و بازیگران در اقتصاد، خانوارها و بنگاه‌ها هستند. خانوارها در دو حالت در اقتصاد مشارکت می‌کنند:

- ۱- خانوارها کالاها و خدمات مورد نیاز را از کسب و کارها خریداری می‌کنند. منابع طبیعی، سرمایه انسانی، منابع (موامل) تولید
 - ۲- خانوارها زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی را برای تولید کالاها و خدمات ارائه می‌کنند.
- در اقتصاد «بنگاه» همان چیزی است که مردم معمولاً آن را به‌عنوان یک کسب و کار می‌شناسند. در درس‌های قبل درباره انواع کسب و کارها مطالبی فراگرفتید. مؤسسات کسب و کارها یا همان بنگاه‌ها می‌توانند شامل مزارع کشاورزی، فروشگاه‌ها، کسب و کارهای خویش‌فرمایی مثل پیرایشگری، نقشه‌کشی و معماری ساختمان یا شرکت‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی باشند. برای تولید کالاها و خدمات، این بنگاه‌ها باید از خانوارها منابع را خریداری یا اجاره کنند؛ مثلاً یک رستوران زنجیره‌ای، زمانی که افرادی را استخدام می‌کند، نیروی کار از خانوارها اجاره می‌کند.

۲ جریان چرخشی ساده

همان‌گونه که خانوارها کالاها و خدمات را از بنگاه‌ها خریداری می‌کنند یا بنگاه‌ها، منابع را از خانوارها اجاره یا خریداری می‌کنند، رابطه داد و ستد شکل می‌گیرد. تصویر زیر جریان چرخشی تعاملات بین بازیگران کلیدی را نشان می‌دهد.



نیمه بالایی تصویر تبادل تولیدات را در بازار کالاها و خدمات نشان می‌دهد.

۱. household

۲. firm

۴۶

که در درس سوم به آن‌ها پرداختیم (یعنی شناسایی منابع کمیاب/ محاسبه هزینه فرصت / ترسیم قید بودجه / کنار گذاشتن هزینه‌های هدررفته) پاسخ به سه سؤال اصلی اقتصاد مشخص‌کننده اهداف تخصیص در اقتصاد

• ابزار تمرین تخصیص منابع با توجه به اهداف اقتصادی ← الگوی مرز امکانات تولید تا اینجای کار شد حرف‌هایی که در فصل اول کتاب یاد گرفتیم، در این فصل سؤالی که بهش پاسخ میدیم اینه که:

چه کسانی در میدان تخصیص منابع نقش‌آفرینی می‌کنند؟ یا بازیگران میدان فعالیت‌های اقتصادی چه کسانی هستند؟

و پرسش‌های سه‌گانه مطرح‌شده با این بازیگران، چه پاسخی خواهند داشت؟ اگه اقتصاد رو به فیلم سینمایی در نظر بگیریم، مثل هر فیلم دیگه‌ای، به سری بازیگر داره و هر بازیگری هم باید نقش مربوط به خودش رو به‌درستی بازی کنه تا روند فیلم به‌خوبی جلو بره؛ دو گروه از مهم‌ترین تصمیم‌گیرندگان و بازیگران در اقتصاد، خانوارها و بنگاه‌ها هستند.

❗ **قلمی نکنین:** اگر در تستی آمد که «خانوارها و بنگاه‌ها» تنها بازیگران مهم عرصه اقتصادی هستند، غلط است! چون در درس‌های بعدی با بازیگران مهم دیگری مثل «دولت» آشنا می‌شویم.

درس ۵: بازار چیست و...

۱ مهم‌ترین بازیگران عرصه اقتصادی

اگه خوب به اطرافت نگاه کنی، همین الان صد تا کالای مختلف حتی بیشتر دور خودت می‌بینی.

برای اینکه هر کالایی به دست شما (که مصرف‌کننده نهایی هستی) برسه و بتونی ازش استفاده کنی تولیدکننده آن

کالا، باید بارها و بارها به سه سؤال اصلی اقتصاد پاسخ دهد تا آن کالا به شکل نهایی خودش درآید. این سه سؤال عبارت‌اند از:

- ۱ چه چیزی تولید شود؟
- ۲ آن چیز چگونه تولید شود؟
- ۳ آن چیز برای چه کسی تولید شود؟

مثال قبل از آماده شدن پیراهنی که الان به تن داری، یک کشاورز با سؤال اول روبه‌رو شده و با سبک و سنگین کردن انتخاب‌های پیش‌روی خود مبنی بر کاشت گندم، چغندر، پنبه و شاید ده‌ها محصول کشاورزی دیگر، تصمیم گرفته منابع محدود خود (یعنی زمین کشاورزی، سرمایه و نیروی کار) را به کاشت پنبه اختصاص دهد.

سپس دوباره با سؤال دوم و سوم روبه‌رو شده و در نهایت یک روش مشخص را برای کشت پنبه انتخاب کرده و آن پنبه تولیدشده را به شرکت تولید پیراهن فروخته است. پس سه سؤال بالا مرتب برای کشاورز در طی فرایند تولید مطرح شده و به آن پاسخ داده تا نهایتاً این پیراهن به شکل فعلی‌اش به دست تو برسد.

🔑 نکته ترکیبی: ۱ سؤال اول، یعنی «چه چیزی تولید شود؟»

مرتبط با مفهوم هزینه فرصت می‌باشد؛ چراکه با توجه به محدودیت منابع، همواره مجبور به انتخاب میان گزینه‌ها هستیم و هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که هنگام انتخاب از دست داده‌اید. (درس ۳)

۲ همچنین سؤال اول، با «الگوی مرز امکانات تولید» نیز مرتبط است؛ زیرا این الگو مرز بین آنچه یک کسب و کار می‌تواند تولید کند و آنچه نمی‌تواند را مشخص می‌کند. (درس ۴)

۳ پاسخ به این سؤالات، اهداف «تخصیص» را در اقتصاد مشخص می‌سازد؛ یعنی منابع موجود را چگونه و به تولید چه چیزی «اختصاص» دهیم تا به هدف موردنظر خود مبنی بر کسب بیشترین سود و کمترین ضرر برسیم.

الگوی مرز امکانات تولید نیز ابزاری برای تمرین کاربرد اصول انتخاب و تخصیص بهینه منابع می‌باشد. (درس ۴)

بنابراین اگه بخوایم حرف‌هایی که زدیم رو جمع‌بندی کنیم، این شکلی میشه:

• سه سؤال «چه چیزی، چگونه و برای چه کسی محصولات خود را تولید کنیم» ← مرتبط با اصول انتخاب صحیح هستند

نکته ترکیبی: پولی که بنگاه‌ها برای خرید یا اجاره عوامل تولید از خانوارها صرف می‌کنند، «هزینه‌های تولید» نام دارد. (درس ۱)

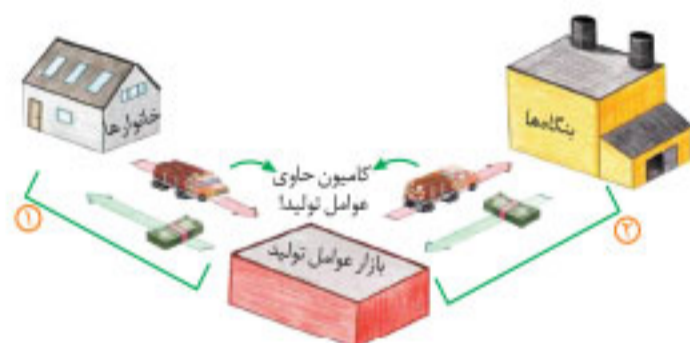
انواع کسب‌وکارها را می‌توان به کسب‌وکار شخصی، شرکت، تعاونی و مؤسسات غیرانتفاعی و خیریه تقسیم کرد. (درس ۲)

۲ جريان چرخشی ساده

نحوه مشارکت و نقش آفرینی خانوارها و بنگاه‌ها در عرصه اقتصاد، نوعی رابطه دادوستد شکل می‌دهد. (بنگاه‌ها عوامل تولید رو از خانواده‌ها می‌گیرند و جاش بهشون کالا و خدمات می‌فروشند.) در ادامه، رابطه دادوستد و تعاملات بین خانوارها و بنگاه‌ها را روی نمودار جریان چرخشی ساده که در صفحه ۴۸ کتاب تصویرش را می‌بینی، بررسی می‌کنیم.

نکته مشاوره‌ای: سوالات این بخش هم به صورت مفهومی طرح میشن و هم به صورت جای خالی عبارت‌های روی نمودار؛ برای همین مهمه که نوشته‌های روی هر فلش و جهت‌شون رو کامل و به تفکیک بلد باشی؛ البته آگه به این شکلی که برات در ادامه توضیح میدم قضیه رو خوب بفهمی و یاد بگیری، حفظ کردنش کار خیلی آسونیه.

دقت کنین: نمودار درواقع از دو قسمت تشکیل شده: نیمه بالایی نمودار مربوط به بازار کالا و خدمات است و نیمه پایینی نمودار مربوط به بازار عوامل تولید می‌باشد. از نیمه پایینی نمودار یعنی قسمت «خانوارها» در سمت چپ شروع می‌کنیم و گام به گام جلو می‌ریم:



۱ خانوارها (که گفتیم منظور همان اعضای خانواده است)، تولیدکننده کالا یا خدمات اقتصادی نیستند؛ اما به هر حال در جامعه زندگی می‌کنند و باید درآمد کسب کنند تا بتوانند با آن درآمد، کالا و خدمات را از دیگران که تولیدکننده هستند (همان بنگاه خودمون) خریداری کنند.

راه‌های کسب درآمد برای خانوار: الف) خانوارها اگر زمین کشاورزی یا مغازه یا ملکی داشته باشند، آن را به تولیدکننده‌ها می‌فروشند یا اجاره می‌دهند و در ازای آن قیمت زمین یا اجاره‌اش را دریافت می‌کنند.

ب) به این شکل اعضای خانواده به عنوان نیروی کار برای بنگاه‌ها کار می‌کنند و در ازای کار خود، مزد یا حقوق دریافت می‌کنند.

ج) خانوارها سرمایه فیزیکی خود مثل ابزار کار را نیز در قبال قیمت و اجاره آن به کسب‌وکارها واگذار می‌کنند.

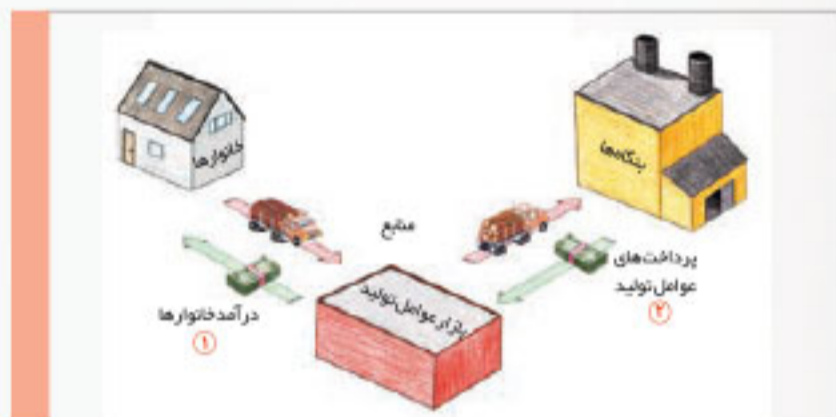
شاید این سوال به ذهنتان برسد که بازار چیست؟ بازار معنای خاصی در اقتصاد دارد؛ بازار به مجموعه خریداران و فروشندگان چیزی در هر جای ممکن اطلاق می‌شود؛ مبادلات در بازار ممکن است حضوری و حقیقی نباشد و به صورت مجازی و در اینترنت صورت گیرد. شما ممکن است با تلفن و پشت میز سفارش دهید و یا با شبکه اینترنت، خرید اینترنتی کنید.

تعریف بازار: در بازار کالاها و خدمات، خانوارها خریدار و بنگاه‌ها فروشنده‌اند. پیکان‌های آبی در تصویر صفحه قبل، جریان کالاها و خدمات را از بنگاه‌ها به خانوارها در بازارهای کالا و خدمات نشان می‌دهند. همان‌طور که پیکان‌های سبز نشان می‌دهد، پرداخت پول بابت کالا و خدمات خریداری شده در جهت مخالف جریان کالا و خدمات جریان می‌یابد. این پول با عبور از بازار کالا و خدمات به عنوان درآمد بنگاه دریافت می‌شود. (نمودار به طور کامل در شماره ۲ توضیح داده شد.)

نیمه بالایی نمودار

فعالیت گروهی در کلاس

در باره بازار منابع تولید (جریان‌های پایینی تصویر) در گروه خود بررسی کنید. چه چیزهایی مورد نیاز هر کدام از طرفین است و در کدام بخش بازار در حال مبادله است؟ سپس نتایج خود را در کنار پیکان‌ها یادداشت کنید و جدول زیر را کامل کنید.



پرداخت‌هایی که بابت خرید منابع تولید به خانوارها پرداخت می‌شود.

ردیف	عنوان	علت
۱	دستمزد (حقوق)	دریافتی خانوارها بابت فروش نیروی کار
۲
۳

market

۴۷

در جدول زیر با این دو بازیگر مهم عرصه اقتصاد بیشتر آشنا می‌شویم:

۱. خانوارها	<ul style="list-style-type: none"> تعریف خانوار: منظور از خانوار مجموعه افرادی است که در یک خانه زندگی می‌کنند یا همان اعضای یک خانواده. نقش خانوارها به عنوان بازیگری مهم در اقتصاد: <ol style="list-style-type: none"> در بازار کالا و خدمات: خانوارها، کالا و خدمات موردنیاز خود را از کسب و کارها (بنگاه‌ها) خریداری می‌کنند. در بازار عوامل تولید: خانوارها، زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی (منابع تولید) را برای تولید کالاها و خدمات به بنگاه‌ها ارائه کرده و در ازای آن کسب درآمد می‌کنند.
۲. بنگاه‌ها (کسب و کارها)	<ul style="list-style-type: none"> تعریف بنگاه: منظور از بنگاه در اقتصاد، همان چیزی است که مردم معمولاً آن را به نام کسب و کار می‌شناسند. مؤسسات کسب و کار یا بنگاه‌ها می‌توانند شامل هر نوع فعالیت تولیدی باشند. مثال برای بنگاه: مزارع کشاورزی / فروشگاه‌ها / کسب و کارهای خویش‌فرمایی مثل پیرایشگری، نقشه‌کشی و معماری ساختمان، شرکت‌ها، کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی. نقش بنگاه‌ها به عنوان بازیگری مهم در عرصه اقتصاد: <ol style="list-style-type: none"> در بازار کالا و خدمات: بنگاه‌ها، کالا و خدمات موردنیاز خانوارها را به آن‌ها می‌فروشند و در نتیجه در ازای آن، کسب درآمد می‌کنند. در بازار عوامل تولید: بنگاه‌ها منابع موردنیاز خود برای تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه) را از خانوارها، اجاره یا خریداری می‌کنند.

۳۳ بررسی بازار کالا و خدمات ← از اینجا به بعد هر جا کلمه بازار خالی رو دیدی منظور همان بازار کالا و خدمات است.

حال که با جریان چرخشی میان بازیگران اصلی اقتصاد و داد و ستد میان آنها آشنا شدیم، باید به بررسی دقیق تر بازار بپردازیم و بررسی کنیم که در بازار چه کسانی حضور دارند و چگونه تصمیم گیری می کنند. به مجموعه خریداران (تقاضاکنندگان) و فروشندگان (عرضه کنندگان) هر چیزی در هر جایی «بازار» گفته می شود. بنابراین بازار دو بخش دارد: **تقاضاکنندگان** و **عرضه کنندگان**.

در بازار کالا و خدمات، تقاضاکنندگان همان خانوارها و عرضه کنندگان همان بنگاهها هستند.

⊖ خانوارها ⊖ مصرف کنندگان ⊖ مالکان عوامل تولید

۳۴ الف) خریداران یا تقاضاکنندگان و فرایند تصمیم گیری آنها

خریداران، خانوارهایی هستند که تقاضاکننده کالاها و خدمات اند و نسبت به مشاهده تغییر شرایط بازار تصمیمات متفاوتی می گیرند. برای اینکه بتوانیم ساده تر مفاهیم را بیاموزیم، تغییر شرایط بازار را یک به یک در نظر می گیریم.

تصور کنید بعد از ظهرهای گرم تابستان برای خانواده بستنی می خرید تا با خنکای مصرف آن گرما را تحمل پذیرتر کنید. اگر امروز که برای خرید راهی بازار شدید ببینید که قیمت آن دوبرابر شده است چه می کنید؟ بیشتر می خرید یا کمتر؟ اگر قیمت آن کالا با قیمت آن رابطه ای عکس دارد. به طوری که با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش می یابد و بالعکس. به این رابطه، «قانون تقاضا» می گویند.

مقدار تقاضا از یک کالا با قیمت آن رابطه ای عکس دارد. به طوری که با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش می یابد و بالعکس. به این رابطه، «قانون تقاضا» می گویند.



اگر هر کدام از دو عدد یک سطر را روی یک دستگاه مختصات پیدا کنید، نمودار بالا درست می شود که با وصل کردن نقاط به هم خط رو به پایینی شکل می گیرد. به این منحنی، «منحنی تقاضا» می گویند.

نزولی

۱. demand law

۲. demand curve



آموزش تصویری حل مسائل ۴۸

بنابراین، یک رابطه داد و ستد دو سر برد بین خانوارها و بنگاهها شکل می گیرد: هم خانوارها کسب درآمد می کنند (درآمدها به خانوار جاری شده. پس جهت فلش باید به سمت خانوارها باشد.) و هم عوامل تولید به سمت بازار عوامل تولید روانه می شوند تا در نهایت به دست بنگاهها برسند. (پس جهت فلش منابع تولید باید از سوی کامیون حاوی عوامل تولید به سمت بنگاهها باشد.)

از آنجا که زمین کشاورزی و تراکتور و بذر هیچ کدام جداگانه تبدیل به نان نمی شوند، باید در یک کسب و کار مشخص در کنار هم قرار گیرند تا به نتیجه موردنظر تولیدکننده (یعنی تولید نان) منتهی شوند. این عوامل تولید توسط بنگاهها خریداری شده و از بازار عوامل تولید به بنگاه (مثلاً کشاورز خویش فرما) منتقل می شوند (پس جهت فلش منابع تولید به سمت بنگاه است) و در ازای آنها به خانوارها پول پرداخت می شود (جهت فلش پول به سمت بازار عوامل تولید است). حالا بریم سراغ نیمه بالایی نمودار، یعنی بازار کالا و خدمات:



فصل دوم

بنگاهها (در مثال ما آقای کشاورز!) محصولات خود را به خانوارها که مصرف کننده نهایی هستند می فروشند. در ازای آن پول می گیرند (جهت فلش درآمد حاصل از فروش محصولات به سمت بنگاهها و جهت فلش انتقال کالا و خدمات تولیدی به سمت خانوارها)

۳ بازار

این ارتباط متقابل و بده - بستانهای میان خانوارها و بنگاهها، «بازار» را شکل می دهد.

معنای اقتصادی بازار با معنای عرفی آن تفاوت دارد.

مفهوم بازار در اقتصاد ← بازار به معنای «مجموعه خریداران و فروشندگان یک محصول در هر جای ممکن است.»

تفاوت معنای عرفی و معنای اقتصادی بازار: در بازار به معنای اقتصادی، مبادلات ممکن است حضوری و حقیقی نباشد و به صورت های دیگر نیز انجام شود: مثلاً از طریق تلفن یا اینترنت (مثلاً در حالی که در خانه نشسته ای می توانی در مبادلات بازار وارد شده و کالای موردنظر خودت رو سفارش بدی.) اما در معنای عرفی، معمولاً از کلمه بازار، محل فیزیکی آن به ذهن متبادر می گردد.

• دو نوع بازار در سطح جامعه قابل تصور است:

۱ بازار کالا و خدمات (بازار محصولات) ۲ بازار عوامل تولید

(در صفحه قبل، در قسمت نکات نمودار به این مطالب پرداختیم.)

در بازار کالا و خدمات نقش بازیگران اقتصادی (خانوارها و بنگاهها) بدین صورت می باشد:

خانوارها ⊖ خریدار کالا و خدمات ⊖ تقاضاکننده

بنگاهها ⊖ فروشنده کالا و خدمات ⊖ عرضه کننده

در بازار عوامل تولید، نقش بازیگران اقتصادی بدین صورت می باشد:

خانوارها ⊖ فروشنده عوامل تولید ⊖ عرضه کننده

بنگاهها ⊖ خریدار عوامل تولید ⊖ تقاضاکننده

حواستون باشه: در حالت کلی وقتی از بازار، بدون هیچ قیدی صحبت شود. (یعنی آگه مشخص نکنن که منظور شون بازار کالا و خدماته یا بازار عوامل تولید)، منظور، بازار کالا و خدمات است. همچنین وقتی کلمه عرضه کننده یا تقاضاکننده بدون هیچ قیدی آمد، منظور عرضه کننده یا تقاضاکننده کالا و خدمات است نه عوامل تولید. ■

قسطی نکنین: کلمات زیر که در مقابل هم آمده‌اند، همگی به یک معنا هستند و در تست‌ها به جای هم به کار می‌روند:

خانوارها = خریداران = تقاضاکنندگان
 مصرف‌کنندگان = مالکان عوامل تولید

بنگاه‌ها = فروشندگان = عرضه‌کنندگان
 تولیدکنندگان = خریداران عوامل تولید

در ادامه می‌خواهیم با چگونگی فرایند تصمیم‌گیری خریداران (تقاضاکنندگان) و فروشندگان (عرضه‌کنندگان) آشنا شویم و ببینیم تصمیمات هریک چگونه بر بازار تأثیر می‌گذارد:

۴-۱ فرایند تصمیم‌گیری تقاضاکنندگان و تأثیرات آن بر بازار

خریداران (تقاضاکنندگان) با توجه به تغییرات شرایط بازار تصمیمات متفاوتی می‌گیرند، اینکه تقاضاکنندگان (خریداران کالا و خدمات) تصمیم بگیرند چه کالایی بخرند و چه میزان بخرند، تحت تأثیر عوامل زیر است:

۱. قیمت کالا
۲. درآمد خریدار
۳. قیمت سایر کالاها
۴. سلیقه (مُد)
۵. انتظارات

در ادامه هرکدام از این عوامل را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۴-۱-۱ قیمت کالا

قطعاً تا الان بارها برای تو هم پیش اومده که دیدی قیمت کالایی که همیشه ازش می‌خریدی نسبت به قبل بیشتر شده و در نتیجه مجبور شدی کمتر مصرفش کنی. بنابراین:

میان مقدار تقاضای یک کالا و خدمت (از سمت خریداران) و قیمت آن رابطه معکوس وجود دارد یعنی با افزایش قیمت یک محصول، معمولاً تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (زیرا سعی می‌کنیم صرفه‌جویی کنیم یا به جای کالای گرون‌تر کالای ارزون‌تر و مشابه رو تهیه کنیم).

قیمت ↑ تقاضا ↓

با کاهش قیمت یک محصول، تقاضا برای آن افزایش می‌یابد. (حتماً دیدی کالایی که حراج می‌خوره مردم چطور برای خریدش هجوم میارن و هرکس از شدت شوق جای یکی، «تا ازش برمیداره»)

قیمت ↓ تقاضا ↑

به رابطه معکوس قیمت کالا و مقدار تقاضا، «قانون تقاضا» گفته می‌شود.

نکته تستی: میزان تقاضا با افزایش قیمت کالا، معمولاً

کاهش می‌یابد (و نه در همه اوقات). چرا معمولاً؟ زیرا برخی کالاها ضروری هستند و حتی اگر قیمتشان چندین برابر هم شود، مردم چاره‌ای جز خرید آن ندارند، مثل نان یا دارو. بنابراین در مورد این کالاها ضروری، با وجود افزایش قیمت، مصرف و خرید کاهش نمی‌یابد.

سایر عوامل: در بررسی «قانون تقاضا» اثر سایر عوامل، به جز قیمت خود کالا را ثابت فرض کردیم. اکنون تصور کنید که قیمت بستنی تغییری نکرده، ولی درآمد شما دو برابر شده است. در این صورت مقدار خریدتان از بستنی چه تغییری می‌کند؟ کمتر می‌شود یا زیادتر؟ شاید هم ثابت بماند! آیا از هیچ کالایی بیشتر نمی‌خرید؟ چرا؟ تقاضا برای یک کالای معمولی (نرمال) به صورت مثبت با درآمد ارتباط دارد. افزایش در درآمد سبب افزایش در تقاضا در هر قیمت می‌شود به این ترتیب برخلاف «قانون تقاضا» که مطابق با آن، تغییر قیمت کالا باعث حرکت روی منحنی می‌شود، در اینجا تغییر درآمد باعث انتقال منحنی خواهد شد.



کالای معمولی و پست را بشناسید!
 آیا با افزایش درآمد مقدار خرید ما از همه انواع کالاها می‌تواند بیشتر شود یا در مورد برخی کالاها ممکن است حتی کمتر شود؟ مثلاً درباره نوع مرغوب و پست برنج فکر کنید. البته در نظر داشته باشید که مرغوب بودن یا پست بودن یک کالا، به رابطه میان درآمد و تقاضای ما از آن کالا بستگی دارد. انتظارات در مورد تغییرات قیمت کالا در آینده

غیر از درآمد که بر تقاضا اثر گذار است، سلیقه، انتظارات و قیمت دیگر کالاها هم می‌تواند بر تقاضا و خرید اثر بگذارد. مثلاً چیزهایی که مد می‌شوند، حتی بدون تغییر قیمت، مقدار تقاضای آنها زیادتر می‌شود یا هنگامی که بی‌بیرید قیمت کالایی در آینده بیشتر می‌شود، امروز ممکن است درباره خرید آن تصمیم دیگری بگیرید!

انتظارات تقاضایمان بیشتر می‌شود



کالاهای جانشین و مکمل را بشناسید!
 کالاهایی که با کالای مورد نظر ما مرتبط‌اند، اگر دچار تغییر قیمت شوند، روی مقدار خرید ما از کالای مورد نظرمان اثر می‌گذارد. مثلاً وقتی گوشت قرمز گران می‌شود، مردم گوشت سفید را بیشتر می‌خرند و جانشین آن می‌کنند. [استفاده می‌شوند] کالاهای جایگزین درباره کالاهایی که با هم مصرف می‌شوند، فکر کنید و درباره اثر تغییر قیمت یکی بر میزان خرید دیگری بحث کنید. مثلاً وقتی می‌خواهید چای بخرید، به بازار قند و شکر هم نیم‌نگاهی دارید یا وقتی خودرو می‌خرید حواستان به قیمت بنزین هم هست؛ اما چگونه؟

برای مثال کالاهایی که با هم مصرف می‌شوند کالاهای مکمل



تست؟

در رابطه با تعاملات بازیگران اصلی اقتصاد، کدام گزینه عبارت‌های صحیح را به درستی مشخص می‌سازد؟
 الف) در آمد خانوارها حاصل پرداخت‌هایی است که بنگاه‌ها در ازای خرید یا اجاره عوامل تولید به آن‌ها می‌پردازند.

ب) پول‌های پرداختی خانوارها به منظور خرید کالا و خدمات با عبور از بازار عوامل تولید، در آمد بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهد.

ج) در بازار کالا و خدمات، خانوارها عرضه‌کنندگان هستند؛ زیرا عوامل تولید را به بنگاه‌ارائه می‌نمایند.

د) نیمه بالایی نمودار جریان چرخشی ناظر بر تبادل تولیدات در بازار کالا و خدمات می‌باشد.

- ۱) ب - ج ۲) الف - د ۳) الف - د ۴) ج - د

پاسخ: بررسی عبارت‌های نادرست:

ب) پول‌های پرداختی خانوارها به منظور خرید کالا و خدمات با عبور از بازار کالا و خدمات، در آمد بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهد. (نه عبور از بازار عوامل تولید)

ج) در بازار کالا و خدمات خانوارها تقاضاکننده کالا و بنگاه‌ها عرضه‌کننده آن هستند. بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

پس تا اینجا فهمیدیم بازار دو بخش اصلی دارد:

- تقاضاکنندگان
- عرضه‌کنندگان

ب) کمترین میزان تقاضا (تقاضا = ۰) در جایی است که بیشترین قیمت وجود دارد. ← یعنی در قیمت ۹۰۰۰ ریال.
ج) نقطه A بالاتر از نقطه B قرار گرفته است؛ بنابراین قیمت در آن بیشتر و به تبع، مقدار تقاضا نیز کمتر است.
بنابراین گزینه «۱» صحیح است.

۴-۲ درآمد تقاضاکننده (آشنایی با کالای معمولی و پست)

اگر سایر عوامل مؤثر بر تقاضا (مثل قیمت محصولات) ثابت بماند، با افزایش درآمد مصرف‌کنندگان معمولاً مقدار تقاضا نیز بیشتر می‌شود. (دلیلش واضح است!) هرچی پول بیشتری در جیبمان باشد، بیشتر می‌توانیم خرید کنیم! بنابراین میان مقدار تقاضای کالا و درآمد مصرف‌کنندگان رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. یعنی افزایش درآمد سبب افزایش مقدار تقاضا می‌گردد.

درآمد ↑ مقدار تقاضا ↑

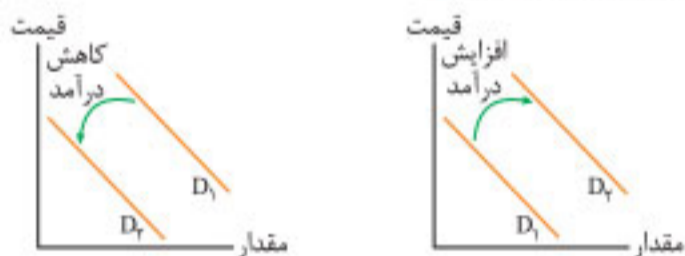
کاهش درآمد سبب کاهش مقدار تقاضا می‌گردد.

درآمد ↓ مقدار تقاضا ↓

• چرا گفتیم با افزایش درآمد «معمولاً» میزان تقاضا بیشتر می‌شود و نگفتیم «همیشه»؟ دلیلش این است که ما از حیث کیفیت دو نوع کالا داریم که تأثیر افزایش درآمد در هر دسته متفاوت است:

الف) کالای معمولی (مرغوب): این دسته از کالاهای مرغوبی هستند که ما هرچه درآمد بیشتری داشته باشیم ترجیح می‌دهیم مقدار بیشتری از آن داشته باشیم. بنابراین در مورد کالاهای معمولی با افزایش درآمد، تقاضا افزایش پیدا می‌کند. اگر بخواهیم تأثیر تغییرات درآمد را بر میزان تقاضا روی نمودار نشان دهیم به صورت زیر نمایش داده می‌شود.

ب) کالای پست: در همه عوامل تأثیرگذار بر تقاضا، به جز قیمت کالا، تغییرات باعث جابه‌جا شدن خود منحنی به صورت یک‌جا می‌شوند. (یعنی برخلاف نمودار رابطه تقاضا و قیمت کالا، روی نقاط منحنی جابه‌جا نمی‌شیم، بلکه نمودار به کل حرکت می‌کند.)



نحوه جابه‌جایی نمودار تقاضا در مورد کالاهای معمولی:

با افزایش درآمد، نمودار تقاضا به سمت راست - بالا منتقل شده و با کاهش درآمد، نمودار به سمت چپ - پایین جابه‌جا می‌شود.

ب) کالای پست: این دسته از کالاهای نامرغوبی هستند که بعضی افراد، صرفاً به علت نداشتن درآمد کافی مجبور به خرید آن بوده‌اند. پس اگر درآمد آن‌ها افزایش پیدا کند، دیگر سراغ این کالاهای نامرغوب نرفته و کالاهای مرغوب‌تر را جایگزین می‌کنند. بنابراین در مورد کالاهای پست (نامرغوب) با افزایش درآمد، مقدار تقاضا برای آن کالای نامرغوب کاهش پیدا می‌کند. نمودار تأثیر تغییرات درآمد بر میزان تقاضا در مورد کالاهای پست به این صورت خواهد بود:



قانون تقاضا را می‌توان برای هر کالا روی نموداری به شکل زیر نشان داد، که به آن نمودار تقاضا گفته می‌شود و با حرف D نشان داده می‌شود. (تقاضا) $(D=Demand)$ محور افقی این نمودار مربوط به مقدار تقاضاست (مقدار) $(Q=Quantity)$ و محور عمودی به قیمت کالا اختصاص دارد. (قیمت) $(P=Price)$

نکات منحنی تقاضا

۱) منحنی تقاضا همواره یک منحنی نزولی است؛ یعنی همیشه جهت منحنی از بالا به پایین است (از چپ به راست)، بنابراین شیب منحنی تقاضا عددی منفی است.



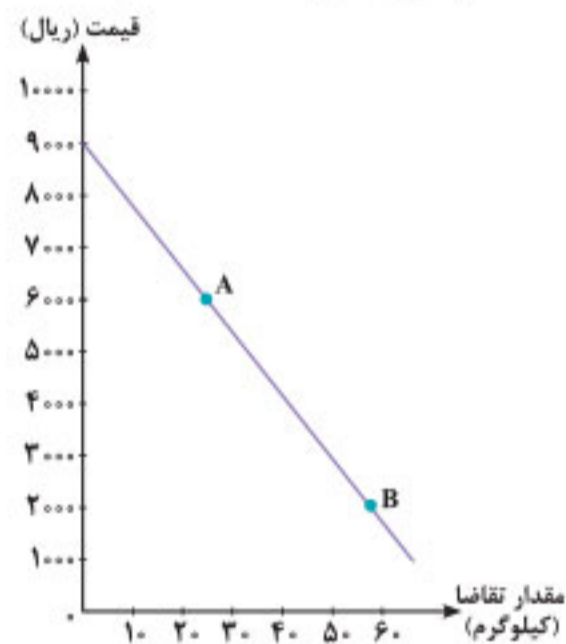
منحنی تقاضا همیشه همچین شکلی دارد:

۲) تغییر قیمت کالا باعث جابه‌جایی نقاط روی منحنی تقاضا می‌شود، اما خود منحنی تقاضا به صورت یکجا حرکت نمی‌کند. (جلوتر می‌گیم که خود منحنی تقاضا در چه شرایطی حرکت می‌کند.)

بنابراین با افزایش قیمت محصول، نقطه روی منحنی تقاضا به سمت چپ (بالا) منتقل می‌شود و با کاهش قیمت محصول، نقطه روی منحنی تقاضا به سمت راست (پایین) حرکت می‌کند.

تست؟

با توجه به نمودار زیر، پاسخ پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟



الف) مقدار تقاضا در قیمت ۷۰۰۰ ریال نسبت به قیمت ۵۰۰۰ ریال، کیلوگرم کمتر است.

ب) کمترین میزان تقاضا در قیمت ۷۰۰۰ ریال بوده است.

ج) وضع نقطه A نسبت به B چگونه است؟

۱) الف) ۲۰ (ب) ۹۰۰۰ (ج) قیمت بیشتر، مقدار کمتر

۲) الف) ۳۰ (ب) ۰ (ج) قیمت بیشتر، مقدار بیشتر

۳) الف) ۲۰ (ب) ۹۰۰۰ (ج) قیمت کمتر، مقدار بیشتر

۴) الف) ۳۰ (ب) ۱۰۰۰ (ج) قیمت کمتر، مقدار کمتر

✓ پاسخ: الف) برای پیدا کردن مقدار تقاضا در قیمت ۷۰۰۰ ریال (و یا هر قیمت دیگری) باید از آن قیمت، یک خط مستقیم به نمودار تقاضا وصل کنی و سپس از نقطه‌ای که روی نمودار به آن رسیدی یک خط دیگر به محور افقی عمود کنی، عددی که به آن می‌رسی، مقدار تقاضا در قیمت داده‌شده است:

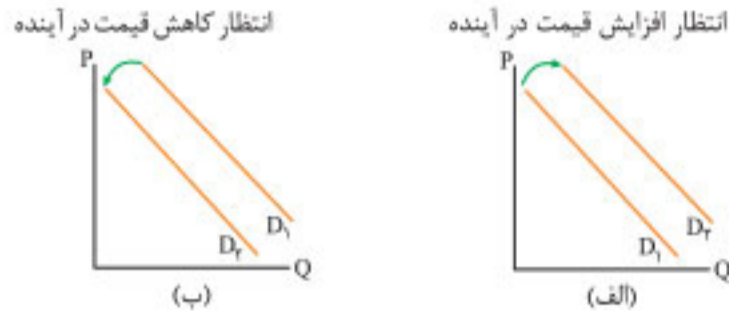
$$\left. \begin{array}{l} 20 \text{ kg} : \text{مقدار} \rightarrow \text{قیمت } 7000 \text{ ریال} \\ 40 \text{ kg} : \text{مقدار} \rightarrow \text{قیمت } 5000 \text{ ریال} \end{array} \right\} 40 - 20 = 20 \text{ kg}$$

بنابراین تفاوت مقدار تقاضا در دو قیمت ۷۰۰۰ و ۵۰۰۰ ریال، ۲۰ کیلوگرم است.



۴-۴ انتظارات تقاضاکننده

عامل بعدی اثرگذار بر مقدار تقاضا، انتظارات و پیش‌بینی‌های مردم درباره آینده قیمت‌هاست، یعنی اگر مردم پی ببرند که قیمت کالا در آینده بیشتر می‌شود، در زمان حال مقدار بیشتری از آن خریداری می‌نمایند (مثلاً پیش‌بینی‌شون اینه که سکه قراره گرون بشه، اونا هم سریع سکه می‌خرن تا ارزون‌تر خریده باشن). اگر مردم انتظار کاهش قیمت در آینده را داشته باشند، الان کمتر از آن کالا می‌خرند و صبر می‌کنند تا وقتی کالا ارزان‌تر شد، آن را تهیه کنند. بنابراین در صورت **انتظار افزایش قیمت کالا در آینده، نمودار تقاضا به راست - بالا منتقل می‌شود (نمودار الف)** و در صورت **انتظار کاهش قیمت در آینده، نمودار به چپ - پایین منتقل می‌شود. (نمودار ب)**



۴-۵ قیمت سایر کالاها (آشنایی با کالاهای مکمل و جایگزین)

آخرین عامل تأثیرگذار بر مقدار تقاضای یک کالا، قیمت سایر کالاهاست. (یعنی نه تنها قیمت خود کالا بر میزان تقاضاش اثر داره، بلکه قیمت کالاهای دیگه هم اثر داره!)

دقت کنید: قیمت همه کالاهای دیگر بر میزان تقاضای یک کالا مؤثر نیست، بلکه فقط کالاهای مرتبط دیگر این تأثیر را دارند. نحوه ارتباط کالاهای با هم به دو صورت ممکن است باشد:

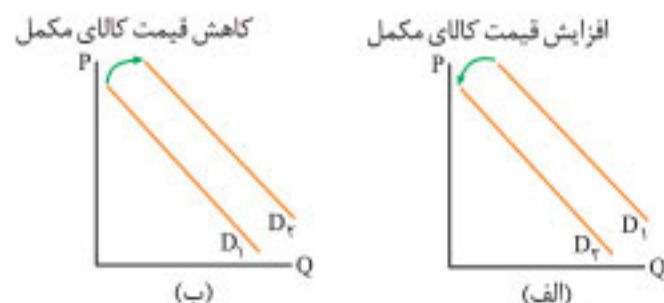
الف) کالاهای مکمل: این کالاهای با هم در کنار هم مصرف می‌شوند:

مثال قند و چای، اتومبیل و بنزین **بنا بر این** در مورد کالاهای مکمل افزایش قیمت یکی به کاهش تقاضا برای دیگری نیز می‌انجامد و بالعکس. (اینجوری تصور کن که چون کالاهای مکمل به هم وصلن، فرقی نداره قیمت کدومشون تغییر کنه؛ انگار افزایش قیمت هر کدوم علاوه بر کاهش تقاضای خودش، باعث کاهش تقاضای اون یکی هم میشه و بالعکس!) پس رابطه میان **میزان قیمت کالای مکمل** (مثل قند) با **میزان تقاضای کالای اصلی** (مثل چای)، یک **رابطه معکوس** است.

افزایش قیمت قند ↑ کاهش تقاضای چای ↓

تغییرات نمودار تقاضا کالای اصلی با تغییرات قیمت کالاهای مکمل: با افزایش قیمت کالای مکمل، نمودار تقاضای کالای اصلی به سمت چپ - پایین منتقل می‌شود (چون همون‌طور که گفتیم انگار قیمت کالای اصلی هم رفته بالا پس تقاضا برای اون کم میشه) (نمودار الف) و با کاهش قیمت کالای مکمل، نمودار تقاضای کالای اصلی به سمت راست - بالا منتقل می‌شود. (نمودار ب) در نتیجه رابطه میان میزان قیمت کالای جانشینی (مثل گازوئیل) یا میزان تقاضای کالای اصلی (مثل بنزین)، یک رابطه مستقیم است.

افزایش تقاضای بنزین ↑ افزایش قیمت گازوئیل ↑



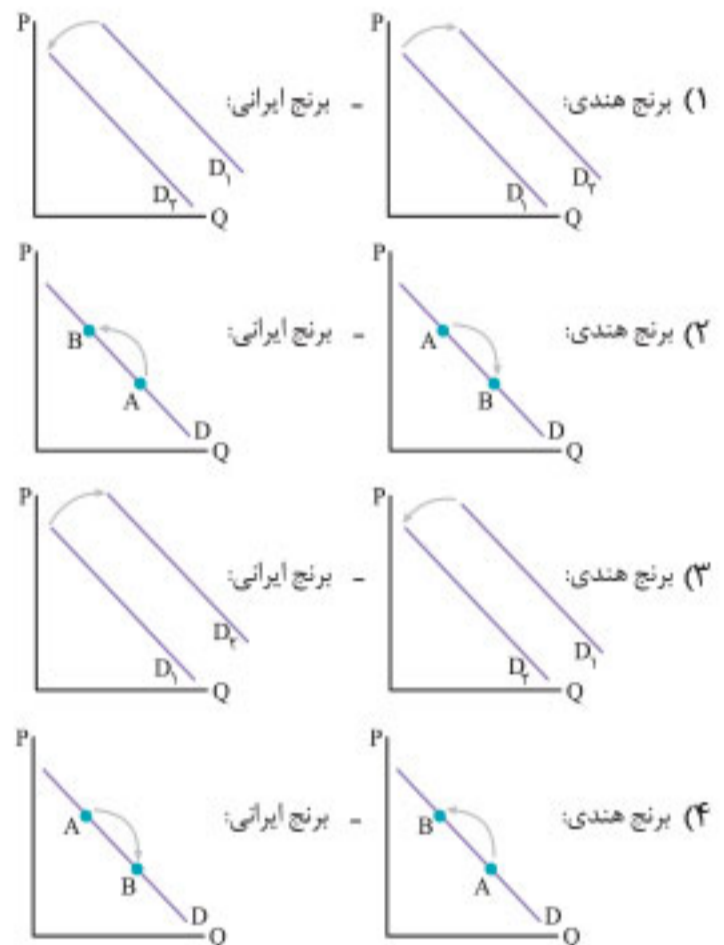
نحوه جابه‌جایی نمودار تقاضا در مورد کالاهای پست:

• با افزایش درآمد، نمودار تقاضا به سمت چپ - پایین منتقل شده و با کاهش درآمد، نمودار تقاضا به سمت راست - بالا جابه‌جا می‌شود.

دقت کنید: در نظر داشته باشید که **مرغوب بودن یا پست بودن یک کالا به رابطه میان درآمد ما و تقاضای ما از آن کالا بستگی دارد.**

تست؟

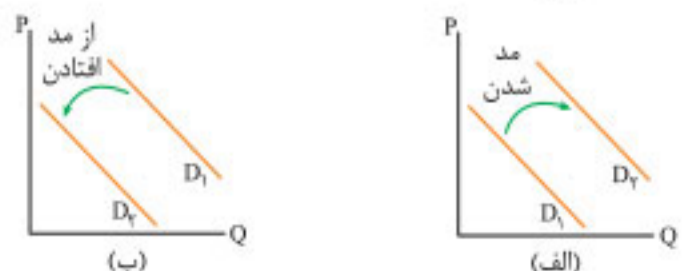
آقای سلطانی فر، درآمد چندانی نداشته و از برنج هندی برای مصرف خانواده تهیه می‌کرده است، اگر ایشان در سال ۱۴۰۱ مشمول افزایش حقوق گردیده باشد، با فرض ثابت ماندن سایر عوامل، نمودار تقاضای برنج هندی و برنج ایرانی (که مرغوب‌تر است) برای این خانواده چگونه تغییر خواهد کرد؟



پاسخ: برنج ایرانی، کالای معمولی محسوب می‌شود، بنابراین با افزایش درآمد، آقای سلطانی فر بر میزان تقاضای برنج ایرانی می‌افزاید و نمودار مربوط به آن به سمت راست - بالا منتقل می‌شود. (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۴) اما برنج هندی کالای پست محسوب می‌شود؛ بنابراین بدیهی است که وی با افزایش درآمد میزان مصرف این نوع برنج می‌کاهد و نمودار آن به سمت چپ - پایین منتقل می‌گردد. بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

۴-۳ سلیقه تقاضاکننده

عامل مهم تأثیرگذار دیگر بر مقدار تقاضای یک کالا این است که سلیقه مردم به چه سمت‌وسویی حرکت کند، مد شدن یک کالا در جامعه باعث می‌شود کل منحنی تقاضا به سمت راست - بالا حرکت کند (نمودار الف) و بالعکس اگر کالا از مد بیفتد کل منحنی به سمت چپ - پایین حرکت می‌کند. (نمودار ب). یعنی وقتی کالایی در جامعه مد میشه، همه به تپ‌وتاب میفتن که اون کالا رو بخرن و در نتیجه تقاضاش زیاد میشه.



درس ۵

۵- قیمت به عنوان ابزاری برای مدیریت مصرف در اینجا بیشتر منظورمان «کاهش مصرف» است.

سیاست گذاران معمولاً تلاش می کنند از دو راه، مقدار تقاضا و مصرف سیگار را کم کنند. یکی، از راه آگاه سازی مردم به زیان های کشیدن سیگار و دیگری با بالا بردن قیمت آن از طریق وضع مالیات بر سیگار. به

نظرتان این دو روش به چه صورت بر مصرف سیگار مؤثرند؟ طبق قانون تقاضا

= بنگاه ها = تولیدکنندگان سبب می شود.

۶- (ب) فروشندگان یا عرضه کنندگان و فرایند تصمیم گیری آنها

به سمت دیگر بازار برای بررسی رفتار فروشندگان برویم. فروشندگان که همان بنگاه های ارائه کننده کالا یا خدمات و نیز عوامل فروش آنها هستند، بازیکر دیگر میدان رقابت اقتصادی اند. اگر شما تولیدکننده یا فروشنده بستنی بودید و قیمت بستنی در بازار به دلیل شروع فصل گرم سال بیشتر می شد، چه می کردید؟ کمتر بستنی تولید می کردید و می فروختید یا بیشتر؟ یا به همان مقدار سابق؟

طبق «قانون عرضه»، با افزایش قیمت، مقدار عرضه از هر کالا افزایش می یابد و بالعکس.



اگر هر کدام از دو عدد یک سطر را روی یک دستگاه مختصات پیدا کنیم، نمودار بالا درست می شود که با وصل کردن نقاط به هم خط رو به بالایی شکل می گیرد. به این منحنی «منحنی عرضه» گفته می شود.

سایر عوامل: تصور کنید قیمت بستنی زیاد نشده اما قیمت شیر که ماده اولیه و مهم تولید بستنی است گران تر شده است. شرایط به وجود آمده چه تأثیری بر مقدار تولید شما دارد؟ آیا اگر قیمت بستنی در بازار تغییری نکرده

باشد باز هم می توانید به همان میزان قبلی بستنی تولید کنید و بفروشید؟ اگر شیر ارزان تر شود چه تأثیری دارد؟ اگر دستگاهی اختراع شود که بتواند با تعداد کارگر کمتری، بستنی تولید کند و از این جهت هزینه های تولید شما را کمتر کند؛ چه تأثیری بر تولید و عرضه می گذارد؟ **ابداعات و اختراعات معمولاً با کاهش هزینه ها اثر مثبتی بر تولید و عرضه دارند. در اینجا نیز همچون مورد تقاضا، تغییرات سایر عوامل باعث انتقال منحنی عرضه خواهد شد.**

۱. supply law ۲. supply curve

۵۰

۵- راه های مدیریت مصرف تقاضاکنندگان

فهمیدیم که مقدار تقاضای ما برای کالاهای مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی است. سیاست گذاران هم این مسئله را می دانند و **باتوجه به منافع و ضررهای** که در مورد مصرف یک کالا وجود دارد، **تصمیم می گیرند که میزان مصرف کالای خاصی را برای شهروندان مدیریت کنند.**

به طور مثال برای مدیریت مصرف سیگار و کمتر کردن آن (چون سیگار مضره!!) دو روش به کار می برند:

- آگاه کردن مردم به زیان های سیگار (اگر مردم بدون با سیگار کشیدن چه آسیبی به سلامتشان وارد می کنن، قطعاً کمتر سمتش میرن!)

۲. وضع مالیات بر قیمت سیگار **در نتیجه** بالا رفتن قیمت سیگار **در نتیجه** طبق قانون تقاضا، با افزایش قیمت، تقاضا کم می شود.

۶- فرایند تصمیم گیری عرضه کنندگان (فروشندگان) و تأثیرات آن بر بازار

در بندهای قبل، عوامل اثرگذار بر رفتار اقتصادی خریداران را کامل بررسی کردیم، حالا می خواهیم ببینیم چه عواملی سبب می شود که فروشندگان (که همان بنگاه ها هستند) تصمیم بگیرند چه کالایی تولید کنند و به چه میزان از آن تولید کنند؟

به صورت کلی **عوامل اثرگذار بر میزان عرضه** عرضه کنندگان را می توان به دو مورد تقسیم بندی کرد:

۱. قیمت کالا

۲. هزینه های تولید کالا

ب. کالاهای جایگزین: این کالاهای کالاهایی هستند که می توانند به جای هم به کار روند. **مثال** چای و قهوه، گوشت قرمز و گوشت سفید و یا گوشت و سویا. (کالاهای جایگزین همچنین وضعیتی دارن که انگار توو یه شرکت استخدام شده باشی ولی بدونی که یه نفر در لیست انتظار هست که اگه تو کار رو خوب انجام ندی اخراجت می کنن و جای تو اون رو میارن! در مورد کالاهای جایگزین هم همینطور؛ یعنی اگه یه کالا گرون شه و بخواد به هر نحو ناز کنه (!) سریعاً با کالای دیگه جایگزین میشه و مردم دیگه کالای اول رو نمی خرن.)

بنابراین با افزایش قیمت هر کالا، تقاضا برای کالای جایگزین آن بیشتر شده و منحنی تقاضای کالای جانشین به سمت راست - بالا منتقل می شود. (نمودار الف)

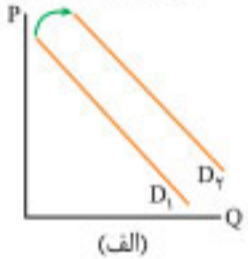
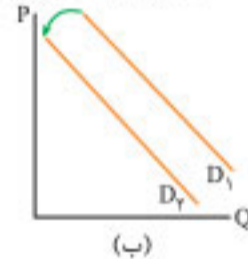
با کاهش قیمت هر کالا، تقاضا برای کالای جایگزین آن کمتر شده و منحنی تقاضای کالای جانشین به سمت چپ - پایین منتقل می شود. (نمودار ب)

پس رابطه میان میزان **قیمت کالای جانشین** (مثل گازوئیل) با **میزان تقاضای کالای اصلی** (مثل بنزین) یک رابطه مستقیم است:

افزایش قیمت گازوئیل ↑ افزایش تقاضای بنزین ↑

کاهش قیمت کالای جایگزین

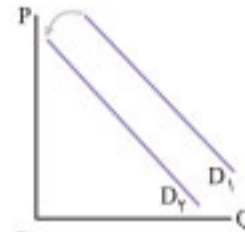
افزایش قیمت کالای جایگزین



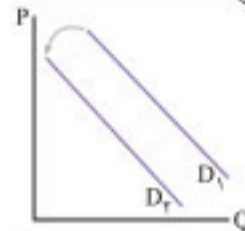
تست؟

نمودار ترسیم شده در کدام گزینه با عبارت نوشته شده مقابل آن مطابقت ندارد؟

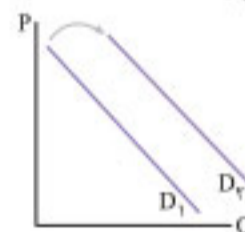
(۱) انتظار کاهش قیمت مسکن در آینده



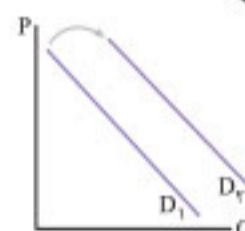
(۲) تأثیر افزایش قیمت خمیردندان بر تقاضای مسواک



(۳) تأثیر معرفی رنگ سبز به عنوان رنگ سال بر تقاضای لباس های سبز رنگ



(۴) تأثیر کاهش قیمت گوشت قرمز بر تقاضای سویا



✓ پاسخ: بررسی گزینه نادرست:

گوشت قرمز و سویا کالاهای جایگزین هستند، بنابراین با کاهش قیمت گوشت قرمز، مردم به سمت خرید گوشت قرمز متمایل می شوند و تقاضا برای سویا کاهش یافته و نمودار تقاضای سویا به سمت چپ - پایین منتقل می شود. بنابراین گزینه «۴» صحیح است.

قاعده نکتین:

رابطه مقدار با قیمت کالا	جهت منحنی (از چپ به راست)	مربوط به رفتار اقتصادی ...
مستقیم قیمت ↑ عرضه ↑ قیمت ↓ عرضه ↓	صعودی (↗)	عرضه کنندگان تولید کنندگان فروشنندگان
معکوس قیمت ↑ تقاضا ↓ قیمت ↓ تقاضا ↑	نزولی (↘)	تقاضا کنندگان درخواست کنندگان خریداران

۶-۲ هزینه‌های تولید کالا

طبیعتاً وقتی تولید کننده بینه هزینه‌های تولیدش خیلی زیاد میشه و بعد از تولید، سود کمی برایش باقی می‌مونه، چون تولید اون کالا برایش نمی‌صرفه کمتر ارزش تولید می‌کنه، بنابراین:

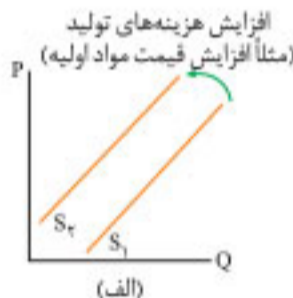
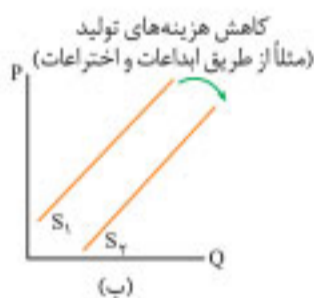
اگر هزینه‌های تولید افزایش یابد، (به‌طور مثال قیمت مواد اولیه افزایش یابد)،

در نتیجه مقدار عرضه کاهش می‌یابد و منحنی عرضه به سمت چپ-پایین منتقل می‌شود (نه اینکه که روی نقاط منحنی جابه‌جا شویم) (نمودار الف) و اگر هزینه‌های

تولید کاهش یابد (به‌طور مثال از طریق ابداعات و اختراعات دستگاه‌ها و روش‌های

جدیدی که تولید را راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کنند) **در نتیجه** مقدار عرضه

افزایش می‌یابد و منحنی عرضه به سمت راست-بالا منتقل می‌شود. (نمودار ب)



← بنابراین رابطه میان هزینه‌های تولید و مقدار عرضه رابطه‌ای معکوس (غیر مستقیم) می‌باشد.

نکته ترکیبی: هزینه‌های تولید، پولی است که برای خرید یا اجاره عوامل تولید، یعنی زمین، نیروی کار و سرمایه پرداخت می‌شود. بنابراین اگر به هر طریقی در مقدار هر یک از این عوامل و هزینه‌های آن افزایش ایجاد شود، مقدار عرضه نیز کاهش خواهد یافت.

حواستون باشه: عامل دیگری هم می‌تواند بر مقدار عرضه مؤثر باشد (که

البته در کتاب جدید نیومده اما شما بدونید!) آن هم «پیش‌بینی تولید کنندگان در مورد رونق یا رکود بازار» است: یعنی در بازار راکد، حتی اگر کالا گران و پرسود هم باشد، چون کسی خریدار آن نیست، عملاً برای تولید کننده سودی نخواهد داشت: بنابراین کمتر دست به تولید و عرضه آن می‌زند و بالعکس.

دقت کنین: در «قانون عرضه» نیز، تغییرات سایر عوامل (به غیر از قیمت خود کالا) باعث انتقال کل منحنی (نه حرکت بر روی منحنی) می‌شود.

در ادامه این دو مورد را بررسی می‌کنیم.

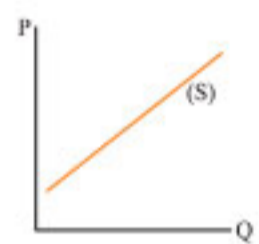
۶-۱ قیمت کالا

با افزایش قیمت کالا، تولید کنندگان تعداد بیشتری کالا تولید می‌کنند، چون این انگیزه را دارند که با فروش کالای گران‌تر، سود بیشتری کسب کنند و اگر قیمت کالا کاهش پیدا کند، تولید کننده انگیزه خود را برای تولید از دست می‌دهد. بنابراین: با افزایش قیمت یک محصول، مقدار عرضه آن افزایش می‌یابد.

قیمت ↑ عرضه ↑

و با کاهش قیمت یک محصول، مقدار عرضه آن کاهش می‌یابد.

قیمت ↓ عرضه ↓



به رابطه مستقیم و مثبت قیمت کالا و مقدار عرضه، «قانون عرضه» گفته می‌شود.

قانون عرضه را می‌توان برای هر کالا روی نموداری به شکل مقابل نشان داد که به آن «نمودار عرضه» گفته می‌شود و با حرف S نشان داده می‌شود.

(عرضه) $S = \text{Supply}$

محور افقی این نمودار، مربوط به مقدار عرضه است. ($Q = \text{Quantity}$ (مقدار)) و محور عمودی به قیمت کالا اختصاص دارد. ($P = \text{Price}$ (قیمت))

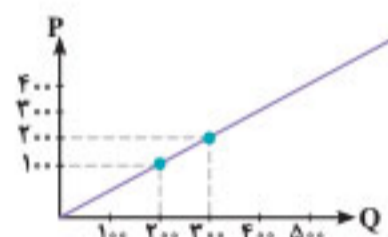
نکات منحنی عرضه:

- منحنی عرضه همواره یک منحنی صعودی است** یعنی همیشه جهت منحنی از پایین به بالا (چپ به راست) است؛ بنابراین شیب منحنی عرضه عددی مثبت است.
- تغییر قیمت کالا باعث جابه‌جایی نقاط روی منحنی عرضه می‌شود، اما خود منحنی عرضه حرکت نمی‌کند.** (جلوتر می‌گیم که خود منحنی عرضه در چه شرایطی حرکت می‌کند و به سمت راست - بالا یا چپ - پایین منتقل می‌شود). بنابراین با افزایش قیمت محصول، نقطه روی منحنی عرضه به سمت راست (بالا) منتقل می‌شود و با کاهش قیمت محصول، نقطه روی منحنی عرضه تقاضا به سمت چپ (پایین) حرکت می‌کند.

تست؟

با توجه به جدول و نمودار، پاسخ سؤالات زیر در کدام گزینه آمده است؟

قیمت (ریال)	مقدار (کیلو)
۱۵۰	۲۰۰
۲۰۰	۳۰۰
۲۵۰	۳۶۰
۳۰۰	A
۳۵۰	۴۲۰



الف) این منحنی مربوط به ... و رفتار اقتصادی ... است.

ب) این منحنی از چپ به راست، ... است: زیرا رابطه قیمت و مقدار در آن ... است.

ج) کدام مقدار می‌تواند برای A صحیح باشد؟

د) در کدام قیمت، مقدار عرضه ۵۰ کیلو خواهد بود؟

- الف) عرضه - تولید کنندگان ب) صعودی - مستقیم ج) ۳۸۰ د) ۲۰
- الف) عرضه - مصرف کنندگان ب) صعودی - معکوس ج) ۳۴۰ د) ۱۵۰
- الف) تقاضا - مصرف کنندگان ب) نزولی - معکوس ج) ۴۵۰ د) ۵۰
- الف) تقاضا - تولید کنندگان ب) صعودی - مستقیم ج) ۴۱۰ د) ۱۰۰

پاسخ: نمودار مربوط به منحنی عرضه است که نشان دهنده رفتار اقتصادی تولید کنندگان است. این منحنی شیب صعودی دارد: زیرا رابطه قیمت و مقدار آن مستقیم است. با وصل کردن نقاط به روشی که توضیح داده شده به ۳۸۰ و ۲۰ دست پیدا می‌کنید. بنابراین گزینه «۱» صحیح است.

۶۹۴. کدام گزینه از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی نیست؟

- ۱) با اتکا بر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و رفع مشکلات خود با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان به زانو در نمی‌آید.
- ۲) اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش‌بنیان که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی آسیب‌ناپذیر است.
- ۳) با اتکا به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بیرونی و استفاده از فرصت‌های درونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند.
- ۴) اقتصاد مقاوم محصول خودباوری، تلاش و مجاهدت همه‌جانبه و فراگیر مردمان سخت‌کوش است.

۶۹۵. کدام گزینه مبین پاسخ درست پرسش‌های زیر است؟

- الف) وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان شناخت.
ب) اقتصاد مقاوم محصول چیست؟

- ۱) الف) استقلال اقتصادی ب) خودباوری، تلاش و مجاهدت همه‌جانبه و فراگیر مردمان سخت‌کوش
- ۲) الف) اقتصاد مقاومتی ب) خودباوری، تلاش و مجاهدت همه‌جانبه و فراگیر مردمان سخت‌کوش
- ۳) الف) استقلال اقتصادی ب) خودکفایی و عزم همگانی مردم برای استفاده هرچه بیشتر از محصولات داخلی
- ۴) الف) اقتصاد مقاومتی ب) خودکفایی و عزم همگانی مردم برای استفاده هرچه بیشتر از محصولات داخلی

۶۹۶. کدام گزینه در ارتباط با «استقلال اقتصادی» نادرست است؟

- ۱) وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را استقلال اقتصادی می‌گویند.
- ۲) استقلال اقتصادی یعنی تعامل مقتدرانه و از روی تدبیر با سایر کشورها
- ۳) هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد.
- ۴) استقلال اقتصادی یعنی قطع ارتباط با کشورهای دیگر و رسیدن به خودکفایی

درس یازدهم - رشد و پیشرفت اقتصادی

رشد اقتصادی / بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید

۶۹۷. کدام گزینه بیانگر عبارت‌های نادرست در رابطه با کشورهای پیشرفته است؟

- الف) یک کشور پیشرفته در برابر شوک‌های اقتصادی، قدرت مقاومت دارد.
ب) معمولاً کشورهای پیشرفته از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند.
ج) کشورهای پیشرفته در آمد و تولید بالایی دارند و درآمدها به صورت مساوی توزیع شده است.
د) کشورهای پیشرفته در شرایط بحرانی می‌توانند نیازهای اولیه خود را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کنند.
ه) روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم این کشورها برجسته است و تعداد بیکاران در این کشورها کم است.
- ۱) الف) ۲) ج - ه ۳) ب - د ۴) ج

۶۹۸. در ارتباط با موارد زیر، کدام گزینه بیانگر عبارتی است که مصداق رشد محسوب نمی‌گردند؟

- الف) صاحب یک کارخانه با بهره‌گیری از تکنولوژی جدید در خط تولید، میزان تولیدات را افزایش داده است.
ب) در یک جامعه فرسی، با طراحی یک سیستم جدید آموزشی، از بی‌سواد ماندن کودکان خانواده‌های فقیر جلوگیری می‌شود.
ج) با اجرای طرح‌های جدید بهداشتی، نرخ امید به زندگی در یک جامعه افزایش پیدا کرده است.
د) صاحب یک کارخانه کنسروسازی با سرمایه‌گذاری بر واردات نخودفرنگی، یک خط تولید تازه راه‌اندازی می‌کند.
ه) یک کارخانه خمیردندان‌سازی با جایگزین کردن ماشین‌آلات صنعتی به‌جای انبوهی از کارگران، سرعت و تعداد تولیدات را افزایش می‌دهد.
- ۱) ج ۲) د ۳) ب - ج ۴) الف - ه

۶۹۹. در کدام یک از شرایط زیر می‌توان گفت که کشور قطعاً نسبت به سال گذشته خود رشد اقتصادی داشته است؟

- ۱) اگر شاخص درآمد سرانه براساس قیمت‌های جاری در یک سال نسبت به سال قبل افزایش چشم‌گیری داشته باشد.
- ۲) اگر شاخص تولید ناخالص داخلی براساس قیمت‌های ثابت در یک سال نسبت به سال قبل افزایش چشم‌گیری داشته باشد.
- ۳) اگر شاخص تولید ناخالص داخلی براساس قیمت‌های جاری در یک سال نسبت به سال قبل افزایش چشم‌گیری داشته باشد.
- ۴) اگر شاخص دهک‌ها در سال جاری نسبت به سال قبل عدد کوچک‌تری را نشان دهد.

۷۰۰. چه تعداد از عبارت‌های زیر بیانگر افزایش نرخ رشد در یک کشور است؟

- الف) اگر در جامعه‌ای میزان واقعی تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد.
ب) اگر جمعیت در طول زمان طوری رشد کند که عرضه نیروی کار هم افزایش یابد.
ج) اگر با سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ادارات، ماشین‌آلات و مغازه‌ها، سعی در ارتقای سرمایه‌های فیزیکی کشور داشته باشیم.
د) اگر با افزایش سطح قیمت‌ها تلاش کنیم ارزش تولیدات ناخالص داخلی را افزایش دهیم.
ه) اگر با تلاش برای برقراری عدالت در توزیع درآمد، سعی کنیم شاخص دهک‌ها عدد کوچک‌تری را ارائه کند.

- ۱) سه ۲) پنج ۳) چهار ۴) دو



۷-۱. جاهای خالی در عبارتهای زیر، با کدام گزینه به درستی کامل می‌شود؟

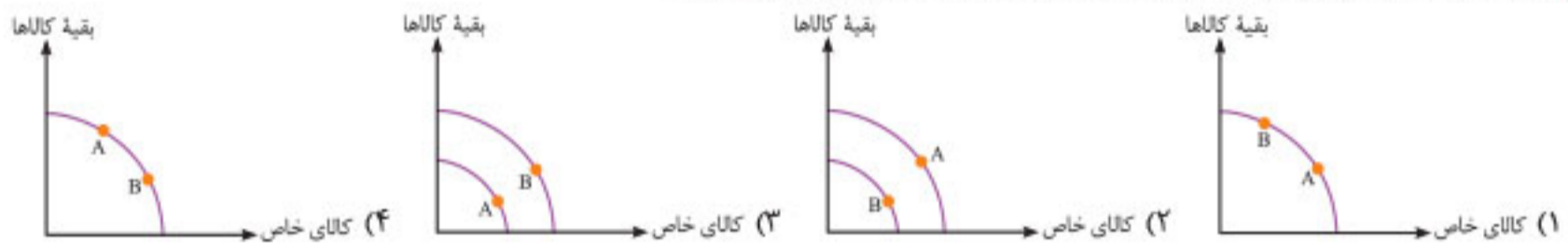
- الف) پیشرفت اقتصادی کشور دارای مؤلفه‌هایی است که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را رشد اقتصادی، و شاخص توزیع عادلانه درآمد دانست.
 ب) کشورها معمولاً با و یا به‌کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می‌دهند.
 ج) یک منشأ رشد اقتصادی است: برای مثال اگر جمعیت در طول زمان رشد کند به‌طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می‌یابد.
 د) یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می‌سازد کالا و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد.
- ۱) الف) تولید ناخالص داخلی ب) افزایش واردات ج) افزایش در منابع د) پیشرفت اقتصادی
 ۲) الف) تولید ناخالص داخلی ب) سرمایه‌گذاری ج) آموزش نیروی انسانی د) رشد اقتصادی
 ۳) الف) شاخص‌های توسعه انسانی ب) افزایش واردات ج) افزایش در منابع د) پیشرفت اقتصادی
 ۴) الف) شاخص‌های توسعه انسانی ب) سرمایه‌گذاری ج) افزایش در منابع د) رشد اقتصادی

(دی ۱۴۰۱)

۷-۲. کدام مورد به ترتیب «منشأ رشد اقتصادی» و «مؤلفه اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی» را ارائه می‌دهد؟

- ۱) آموزش نیروی انسانی - افزایش عرضه نیروی کار
 ۲) آموزش نیروی انسانی - میانگین سال‌های تحصیل
 ۳) سرانه درآمد ناخالص داخلی - افزایش عرضه نیروی کار
 ۴) سرانه درآمد ناخالص داخلی - میانگین سال‌های تحصیل

۷-۳. با توجه به نمودارهای زیر، کدام نقطه «A» دستیابی به رشد اقتصادی را نشان می‌دهد؟



۷-۴. از نظر اندیشمندان ایرانی، چه الگویی می‌تواند سبب رسیدن به پیشرفت اقتصادی شود؟

- ۱) استفاده از الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد.
 ۲) استفاده از الگوهای پیشرفته کشورهای غربی و الگوبرداری از سبک زندگی آن‌ها
 ۳) الگوبرداری از سبک استقراری نظام اقتصادی اسلام با توجه به شرایط بومی کشور
 ۴) استفاده از سبک ترکیبی موجود در الگوهای اقتصادی کشورهای پیشرفته غربی و نظام اقتصادی اسلام

محاسبه تولید ناخالص داخلی، تولید کل و نرخ رشد

۷-۵. چه تعداد از موارد زیر در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود؟

- الف) خدماتی مثل لوله‌کشی، حمل‌ونقل کالاها، معاینات پزشکی و خلبانی هواپیما
 ب) کتاب‌های چاپ‌شده در سال ۱۴۰۰ که توسط یک انتشارات در سال ۱۴۰۱ فروخته می‌شود.
 ج) نخ و پارچه‌ای که به یک تولیدی لباس جهت دوخت پیراهن‌های مردانه فروخته می‌شود.
 د) رب گوجه‌فرنگی که بسیاری از خانواده‌های ایرانی در فصول سرد سال برای مصرف شخصی خود می‌پزند.
 ه) رب گوجه‌فرنگی که توسط کارخانه‌های رب‌سازی به بازار عرضه می‌شود.
 و) محصولات یک کارخانه ایرانی که توسط یکی از مراکز آن در خارج از کشور تولید می‌شود.
 ز) کت و شلوارهای دوخته‌شده توسط یک تولیدی لباس در تهران که پارچه آن‌ها از ترکیه وارد می‌شود.
 ح) محصولات تولیدشده توسط نمایندگی یکی از شرکت‌های مواد غذایی آلمانی در ایران
- ۱) هفت ۲) شش ۳) پنج ۴) چهار

۷-۶. کدام گزینه جاهای خالی عبارتهای زیر را به درستی کامل می‌کند؟

- الف) یک کشور به معنای ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.
 ب) با فرض اینکه هر تولید داخلی، درآمندی را برای تولیدکنندگان ایجاد کرده است، می‌توان را نیز معادل تولید داخلی دانست.
 ج) مهم‌ترین دلیل برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی، است.
- ۱) الف) تولید ناخالص داخلی ب) درآمد سرانه ج) محاسبه درآمد داخلی
 ۲) الف) تولید ناخالص ملی ب) درآمد داخلی ج) نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان
 ۳) الف) تولید ناخالص ملی ب) درآمد سرانه ج) محاسبه درآمد سرانه
 ۴) الف) تولید ناخالص داخلی ب) درآمد داخلی ج) نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان

۷-۷. کدام یک از موارد زیر به دلیل دشواری‌های محاسباتی، در نهایت در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود؟

- الف) خرید و فروش کالاهای دست‌دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه
 ب) محصولاتی که توسط اتباع خارجی در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود.
 ج) کارهایی که در خانه انجام می‌گیرد یا خدماتی که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای آن‌ها ردوبدل نمی‌شود.
- ۱) الف - ب ۲) الف - ج ۳) ب - ج ۴) همه موارد



۷۱۵. چه تعداد از موارد ذکرشده، در تولید ناخالص داخلی ایران محاسبه می‌شود؟

«فروش گوشی دست‌دوم به یکی از دوستان - تعمیر یخچال و فریزر همسایه در ازای دریافت پول - تولید ترشی و رب خانگی جهت فروش به اهالی محله - تولیدات یک کارگاه خیاطی که توسط دو فرد پاکستانی در داخل ایران دایر شده است. - ارائه خدمات نگهداری از معلولین جسمی توسط یک سازمان خیریه - فروش گوجه‌فرنگی به یک کارخانه رب‌سازی»

انواع تولیدات	ارزش تولیدات (میلیارد ریال)
محصولات کشاورزی	۸۰
خدمات درمانی و بهداشتی	۱۸
لوازم التحریر	۴/۸
محصولات آرایشی	۲۷
پوشاک	۱۲/۲
تولیدات صنعتی	۳۲
لبنیات	$\frac{1}{4}$ ارزش محصولات کشاورزی

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

۷۱۶. جدول داده‌شده نمایانگر تمامی کالا و خدماتی است که توسط همه افرادی که در داخل کشور مجارستان ساکن هستند در سال ۲۰۱۹ میلادی تولید شده است. حال با توجه به جدول به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) تولید ناخالص داخلی این کشور چند میلیارد دلار است؟
ب) درآمد داخلی سرانه این کشور ۸ میلیون نفری چند دلار است؟

- (۱) الف) ۱۴۹ ب) ۲۴,۲۵۰
(۲) الف) ۱۴۹ ب) ۲۲,۴۵۰
(۳) الف) ۱۹۴ ب) ۲۴,۲۵۰
(۴) الف) ۱۹۴ ب) ۲۲,۴۵۰

۷۱۷. با توجه به اطلاعات موجود در جدول مقابل که مربوط به درآمدی است که طی یک سال توسط اعضای یک کشور فرضی کسب شده است:

الف) میزان درآمد داخلی این کشور چقدر است؟
ب) درآمد داخلی سرانه در این کشور چقدر است؟

- (۱) الف) ۷,۶۰۰ میلیارد دلار ب) ۲۰۰,۰۰۰ دلار
(۲) الف) ۶,۷۰۰ میلیارد دلار ب) ۲۰۰,۰۰۰ دلار
(۳) الف) ۷,۶۰۰ میلیارد دلار ب) ۲۵۰,۰۰۰ دلار
(۴) الف) ۶,۷۰۰ میلیارد دلار ب) ۲۵۰,۰۰۰ دلار

موارد تولید	ارزش پولی
درآمد کشاورزان	۸۰۰ میلیارد دلار
درآمد دامداران	۲,۴۰۰ میلیارد دلار
درآمد سرمایه‌گذاران	$\frac{2}{3}$ درآمد دامداران
درآمد شرکت‌های تولیدی	$\frac{3}{4}$ درآمد کشاورزان
خدمات	$\frac{3}{5}$ درآمد سرمایه‌گذاران
درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۲۰٪ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
جمعیت کل کشور	۲۸ میلیون نفر

۷۱۸. کدام یک از فعالیت‌های زیر در تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود؟

- (۱) آموزش زبان انگلیسی خاتم پاکروان به خواهرزاده خود بدون دستمزد
(۲) تولید ترشیجات خانگی توسط زنان خانه‌دار برای مصرف سالیانه منزل
(۳) تولید ترشیجات خانگی توسط زنان خانه‌دار برای مصرف سالیانه منزل

- (۲) قبول مسئولیت مدیریت یک ساختمان مسکونی در عوض اجرت معین
(۴) نصب و تعمیرات دیش‌های ماهواره‌ای در عوض اجرت معین

۷۱۹. توضیحات جدول زیر مربوط به کشوری است که ۱۲۵ میلیون نفر جمعیت دارد که ۸۰ درصد آن‌ها داخل کشور زندگی می‌کنند. همچنین تعداد افرادی که در داخل مرزهای این کشور سکونت دارند، ۱۲۵ میلیون نفر است که ۲۰ درصد آن‌ها اتباع خارجی هستند. حال اگر تولیدات این کشور به دو محصول خرما و گندم محدود باشد، تولید ناخالص داخلی این کشور چقدر است؟

تولید خرما	تولید گندم
خارجی‌های ساکن کشور	خارجی‌های ساکن کشور
اتباعی که در خارج از کشور اقامت دارند.	اتباعی که در خارج از کشور اقامت دارند.
اتباع مقیم در داخل کشور	اتباع مقیم در داخل کشور
هر نفر ۱۵۰ کیلو به ارزش کیلویی ۱۰۰ دلار	هر نفر ۵۰ کیلو به ارزش کیلویی ۴۰ دلار
هر نفر ۱۰۰ کیلو به ارزش کیلویی ۳۰ دلار	هر نفر ۱۰۰ کیلو به ارزش کیلویی ۵۰ دلار
هر نفر ۲۰۰ کیلو به ارزش کیلویی ۱۰۰ دلار	هر نفر ۲۵۰ کیلو به ارزش کیلویی ۴۰ دلار

- (۱) ۲,۳۰۰ میلیارد دلار (۲) ۳,۲۰۰ میلیارد دلار (۳) ۳,۴۲۵ میلیارد دلار (۴) ۴,۳۲۵ میلیارد دلار

۷۲۰. در کدام گزینه همه فعالیت‌های ذکرشده، در تولید ناخالص داخلی ایران لحاظ می‌شود؟

- (۱) تولید پوشاک مردانه با استفاده از پارچه‌های وارداتی در داخل کشور - ساخت ماشین‌آلات صنعتی توسط دو مهندس چینی در داخل کشور ایران - فروش برنج کشت‌شده در شالیزارهای شمال کشور در بازارهای محلی
(۲) خرید و فروش تلفن‌های همراه دست‌دوم در بازار موبایل - ارائه خدمات پذیرایی جهت برگزاری مراسمات توسط یک شرکت خدماتی در تهران - چاپ و انتشار کتاب‌های درسی و کمک‌درسی توسط یک ناشر معتبر در تهران
(۳) تدریس خصوصی ریاضیات توسط یک معلم بازنشسته در گیلان - برگزاری مراسمات و برنامه‌های تفریحی در یک آسایشگاه سالمندان به‌طور رایگان - برگزاری نمایشگاه آثار هنری توسط یک نقاش سوئدی در شیراز
(۴) تهیه و تولید شیرینی‌های سنتی و محلی در استان قزوین - حضور دانشجویان و دانش‌آموزان در اردوهای جهادی جهت بازسازی مناطق تخریب‌شده به وسیله سیل در شمال کشور - ارائه خدمات بیمه عمر و سلامت توسط یک شرکت بیمه در پایتخت

۷۲۱. آقای هاشمی کارمند یک شرکت خدماتی است و به صورت پاره وقت به عنوان تاکسی اینترنتی هم فعالیت دارد. همچنین همسر آقای هاشمی معلم خوشنویسی است و ماهانه ۳,۰۰۰,۰۰۰ تومان از این راه در آمد کسب می کند اما این ماه برای جبران مخارج اضافی اقدام به فروش بخشی از جواهرات خود به ارزش ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان کرده است. حال اگر در آمد آقای هاشمی از طریق کار در شرکت خدماتی ۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان و از طریق کار در تاکسی اینترنتی ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان به صورت ماهیانه باشد: چه مقدار از در آمد این ماه خانواده هاشمی در تولید ناخالص داخلی محاسبه می شود؟

- (۱) ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۲) ۷,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۳) ۹,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۴) ۵,۵۰۰,۰۰۰ تومان

۷۲۲. کدام گزینه بیانگر عبارت‌هایی است که در تولید ناخالص داخلی ایران محاسبه نمی شود؟

- الف) تولید لوازم یدکی خودرو توسط سرمایه گذاران ژاپنی در داخل ایران
ب) صادرات صنایع دستی اصفهان به خارج از مرزهای ایران
ج) تهیه و فروش شیرینی‌های سنتی شهر یزد توسط دو صنعتگر یزدی در پایتخت کانادا
د) ارائه خدمات درمانی و بهداشتی توسط یک پزشک روسی در شهر تهران
ه) تولید کنسرو ماهی توسط یک کمپانی آلمانی در شهر گیلان

- (۱) الف - ه (۲) ب - ج (۳) د (۴) ج

سال	مواد غذایی		پوشاک	
	قیمت (میلیون)	مقدار (تن)	قیمت (میلیون)	مقدار (تن)
۱۳۹۵	۱۰۰	۵۰۰	۵۰	۱۶
۱۳۹۶	۲۰۰	۶۰۰	۱۰۰	۲۰
۱۳۹۷	۳۰۰	۷۰۰	۲۰۰	۲۵

۷۲۳. جدول زیر، ارقام تولید پوشاک و مواد غذایی در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ (با احتساب سال ۱۳۹۵ به عنوان سال پایه) را نشان می دهد. رشد GDP واقعی برای سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ چند درصد است؟ (اردیبهشت ۱۴۰۳)

سال	واقعی	سال	واقعی	سال	واقعی
(۱) ۹۶	۲۰	(۲) ۹۶	۱۸/۲	سال	واقعی
۹۷	۱۷/۶	۹۷	۲۰	۹۶	۱۸/۲
				۹۷	۱۹

۷۲۴. چه تعداد از عبارت‌های زیر مربوط به ویژگی‌های تولیدکننده کالایی است که در تولید ناخالص داخلی ایران محاسبه می شود؟

- الف) ایرانی بودن
ب) داشتن حداقل ۱۰ سال سن
ج) سکونت در داخل مرزهای ایران
د) تولید کالا در داخل مرزهای ایران
ه) فروش کالا در داخل مرزهای ایران
و) استفاده از مواد اولیه ایرانی
- (۱) چهار (۲) سه (۳) یک (۴) دو

۷۲۵. با توجه به تعریف ارائه شده از مفهوم تولید ناخالص داخلی، چه تعداد از موارد زیر مشمول این تعریف است؟

- «راندگی اتوبوس‌های مسافری - فعالیت‌های داوطلبانه امدادی در مناطق سیل‌زده - تولیدات صنعتگر ایرانی در هند - فعالیت کارگرهای افغان در پروژه‌های ساختمان‌سازی ایران - تهیه و تکثیر کتب ممنوعه - فروش مواد شوینده تولید شده در سال قبل - تعمیرکاری هواپیما - تهیه و پخت شیرینی‌های محلی در منزل برای پذیرایی عید نوروز - فروش گیلان و آلبالو به کارخانه کمپوت‌سازی - ساخت لوازم آرایشی و بهداشتی - خرید و فروش ماشین‌های کارکرده - اشتغال زنان خانه‌دار به کسب و کارهای آنلاین»
- (۱) هفت (۲) پنج (۳) شش (۴) هشت

۷۲۶. در جدول زیر اطلاعات مربوط به تولید ناخالص داخلی یک کشور فرضی آمده است. با توجه به اطلاعات ذکر شده:

سال	قیمت (به ریال)	تولید (واحد)
۱۴۰۰	۴۰	۳۰
۱۴۰۱	۵۰	۶۰

الف) ارزش تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۱۴۰۱ به ترتیب (از راست به چپ) به قیمت ثابت و جاری کدام است؟
ب) چه مقدار از افزایش تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ (از راست به چپ) ناشی از رشد تولید و رشد قیمت (تورم) می باشد؟

(۱) الف) ۲,۴۰۰ - ۳,۰۰۰ ب) ۲,۳۰۰ - ۱,۸۰۰
(۲) الف) ۲,۰۰۰ - ۳,۶۰۰ ب) ۱,۲۰۰ - ۱,۸۰۰
(۳) الف) ۲,۴۰۰ - ۳,۰۰۰ ب) ۱,۲۰۰ - ۶۰۰
(۴) الف) ۲,۰۰۰ - ۳,۶۰۰ ب) ۲,۳۰۰ - ۶۰۰

۷۲۷. در کدام گزینه تمام فعالیت‌های شخص در محاسبه تولید ناخالص داخلی لحاظ می شود؟

- (۱) آقای پاکروان معلم دینی است و همچنین از طریق اجاره دادن املاک خود درآمد کسب می کند: وی برای رسیدن به سود بیشتر هر چند وقت یکبار به خرید و فروش فرش دستباف کار کرده اقدام می کند.
(۲) خانم میرعظیمی پرستار نگهداری از سالمندان است: وی در اوقات فراغت خود برای کسب درآمد بیشتر اقدام به قبول سفارشات و تهیه مواد غذایی از قبیل ترشیجات، رب گوجه‌فرنگی و... برای اهالی محل می کند.
(۳) امیرعلی که دانشجوی رشته زبان انگلیسی است، از طریق ترجمه متون کسب درآمد می کند: وی همچنین در تلاش است تا با آموزش زبان به کودکان کار در امور عام‌المنفعه و خیرخواهانه نیز مشارکت کند.
(۴) آقای هاشمی مشغول به ساخت و ساز ساختمان در یکی از شهرهای مرزی است: وی سرمایه مازاد خود را صرف واردات کالا به صورت قاچاق از داخل مرزهای ایران می کند.



۲۲۸. کدام گزینه در بردارنده پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر است؟

الف) به کدام دلیل، در GDP، ارزش کالاهای واسطه‌ای به صورت مستقل محاسبه نمی‌شود؟

ب) همه فعالیت‌های تولیدی در محاسبه تولید ناخالص داخلی مورد سنجش قرار می‌گیرند: به جز.....

۱) ارزش آن‌ها در واقع همراه با کالاهای نهایی، مورد سنجش و محاسبه قرار می‌گیرد. ب) فعالیت تولیدی زنان در مزارع و کشتزارها

۲) الف) جزئی از کالاهای مصرفی هستند و ارزش آن‌ها در جریان تولید محاسبه می‌شود. ب) فعالیت زنان در رستوران‌ها

۳) الف) جزئی از کالاهای سرمایه‌ای هستند و ارزش آن‌ها در فرایند تولید منظور می‌شود. ب) کاشت میوه و سبزیجات گلخانه‌ای برای مصرف شخصی

۴) الف) ارزش آن‌ها در درون کالاهای نهایی است و به صورت بخشی از کالاهای نهایی محسوب می‌شود. ب) کاشت سبزیجات در منزل برای مصرف خانگی

۲۲۹. جدول زیر مبین ارقام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است و جمعیت کل این جامعه ۷۵ میلیون نفر می‌باشد. در این صورت:

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{4}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	$\frac{2}{5}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰ ریال
۴	دستمزدها	$\frac{1}{3}$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۵	درآمد صاحبان سرمایه	۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ ریال
۶	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ ریال

الف) میزان درآمد داخلی این جامعه کدام است؟

ب) درآمد داخلی سرانه آن چقدر است؟

ج) معنا و مفهوم سرانه چیست؟ (خارج ۹۶ با تغییر)

۱) الف) (الف) ۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰ ب) ۲۹/۸۶ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۲) الف) (الف) ۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰ ب) ۲۸/۹۶ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد یا تولید آن جامعه

۳) الف) (الف) ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰ ب) ۲۸/۹۶ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

۴) الف) (الف) ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰ ب) ۲۹/۸۶ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه

۲۳۰. جدول مقابل مشتمل بر ارقام مختلف درآمدی است که در طول

یک سال نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به مندرجات

این جدول:

الف) درآمد داخلی این جامعه چقدر است؟

ب) درآمد داخلی سرانه آن کدام است؟

ج) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

د) کدام ردیف جدول، به ترتیب (از راست به چپ) بیانگر

«قیمت خدمات سرمایه» و «اجاره‌بها» می‌باشد؟

(قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف‌های ۳ و

۶، به تفکیک منظور شده است.)

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۶۵۶ میلیارد ریال
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{2}{6}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶
۴	درآمد صاحبان سرمایه	۶۹۶ میلیارد ریال
۵	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶
۶	دستمزدها	۴۶۶ میلیارد ریال
۷	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

۱) الف) (الف) ۳,۰۴۳ ب) ۶۰/۶۸ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد جامعه د) ردیف ۴ و ردیف ۱

۲) الف) (الف) ۲,۰۳۴ ب) ۶۰/۶۸ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه د) ردیف ۱ و ردیف ۴

۳) الف) (الف) ۳,۰۴۳ ب) ۶۰/۸۶ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه د) ردیف ۱ و ردیف ۴

۴) الف) (الف) ۳,۰۴۳ ب) ۶۰/۸۶ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد یا تولید آن جامعه د) ردیف ۴ و ردیف ۱

۲۳۱. جدول مقابل در بردارنده ارقام درآمدی است که در طول یک سال

نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به مندرجات جدول:

الف) «درآمد داخلی» این جامعه چقدر است؟ (سراسری ۹۴ با تغییر)

ب) «معنا و مفهوم سرانه» چیست؟

ج) «درآمد داخلی سرانه» این جامعه کدام است؟

د) کدام ردیف جدول، به ترتیب (از راست به چپ)، بیانگر

«قیمت خدمات سرمایه» و «اجاره‌بها» می‌باشد؟

(قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۲ و ۶،

به تفکیک محاسبه شده است.)

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۹۸۶ میلیارد ریال
۲	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۷
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{2}{5}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۵
۴	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
۵	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۸۹۴ میلیارد ریال
۶	دستمزدها	$\frac{1}{6}$ سود «شرکت‌ها و مؤسسات»
۷	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۷۸۷ میلیارد ریال

۱) الف) (الف) ۴,۱۵۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد

یا تولید» آن جامعه ج) ۹۲/۴۲ د) ردیف ۱ و ردیف ۷

۲) الف) (الف) ۴,۱۵۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد» آن جامعه ج) ۹۴/۲۲ د) ردیف ۱ و ردیف ۷

۳) الف) (الف) ۴,۵۱۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «تولید یا درآمد» آن جامعه ج) ۹۴/۲۲ د) ردیف ۱ و ردیف ۷

۴) الف) (الف) ۴,۵۱۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «تولید» آن جامعه ج) ۹۴/۲۲ د) ردیف ۱ و ردیف ۷

۷۲۲. جدول داده‌شده بیانگر اقلام درآمدی است که در طول یک سال

نصیب یک جامعه فرضی شده است. چنانچه جمعیت کل این جامعه ۵۰ میلیون نفر باشد، در این صورت: (سراسری ۹۹ با تغییر)

الف) درآمد داخلی این جامعه چقدر است؟

ب) درآمد داخلی سرانه آن کدام است؟

ج) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

(قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۴ و ۵، به تفکیک محاسبه شده است.)

۱) الف) ۴۱۰۰۴ (ب) ۸۲۲۰۸۰ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد یا تولید آن جامعه

۲) الف) ۴۱۰۰۴ (ب) ۸۲۸۰۲۰ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید و درآمد آن جامعه

۳) الف) ۴۰۰۱۱۴ (ب) ۸۲۲۰۸۰ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه

۴) الف) ۴۰۰۱۱۴ (ب) ۸۲۸۰۲۰ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۹,۸۹۷ میلیارد ریال
۲	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶
۳	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان سرمایه
۴	دستمزدها	۶,۴۴۲ میلیارد ریال
۵	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{5}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶
۶	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۸,۸۵۶ میلیارد ریال

۷۲۳. جدول مقابل مبین اقلام مختلف درآمدی است که در طول یک سال

نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به مندرجات جدول:

الف) درآمد داخلی این جامعه چقدر است؟ (خارج ۹۹ با تغییر)

ب) درآمد داخلی سرانه آن کدام است؟

ج) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

(قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۳ و ۶، به تفکیک محاسبه شده است.)

۱) الف) ۱,۵۱۲ (ب) ۳۰/۴۲ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد آن جامعه

۲) الف) ۱,۵۲۱ (ب) ۳۰/۲۴ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان تولید آن جامعه

۳) الف) ۱,۵۱۲ (ب) ۳۰/۲۴ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد یا تولید آن جامعه

۴) الف) ۱,۵۲۱ (ب) ۳۰/۴۲ (ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد یا تولید آن جامعه

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۲۸ میلیارد ریال
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{2}{6}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶
۴	درآمد صاحبان سرمایه	۳۴۸ میلیارد ریال
۵	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶
۶	دستمزدها	۲۳۳ میلیارد ریال
۷	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

۷۲۴. با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه ارزش مجموع اقلام: ماشین‌آلات، مواد غذایی و پوشاک در یک جامعه فرضی ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

الف) تولید ناخالص داخلی سرانه (ب) تولید ناخالص داخلی در این جامعه کدام است؟ (سراسری ۹۸ با تغییر)

A	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
B	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	ارزش خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
D	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

۱) الف) ۳,۲۲۰ (ب) ۲۰۵ (۲) الف) ۳,۲۲۰ (ب) ۲۰۶ (۳) الف) ۴,۱۰۰ (ب) ۲۰۵ (۴) الف) ۴,۱۰۰ (ب) ۲۰۶

۷۲۵. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر:

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی سرانه چقدر است؟

۱	تولید ۳۰ دستگاه ماشین‌آلات نساجی به ارزش	۴۸۰ میلیارد ریال
۲	ارزش مواد غذایی	۶۰٪ ارزش تولیدات در بخش صنعت
۳	ارزش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه به کاررفته در بخش صنعت و مواد غذایی	۲۴۰ میلیارد ریال
۴	ارزش خدمات ارائه‌شده به وسیله بخش خصوصی	۵۰٪ مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی
۵	تعداد جمعیت	۲۰ میلیون نفر

۱) الف) ۱,۲۵۱ (ب) ۵۷,۶۰۰ (۲) الف) ۱,۲۵۱ (ب) ۳۴,۸۰۰ (۳) الف) ۱,۱۵۲ (ب) ۵۷,۶۰۰ (۴) الف) ۱,۱۵۲ (ب) ۳۴,۸۰۰



A	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
B	ارزش خدمات ارائه شده	۴۴ میلیارد ریال
C	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۳ میلیارد ریال
D	جمعیت کل کشور	۲۰ میلیون نفر

A	ارزش ماشین آلات	۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ارزش پوشاک	۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	ارزش مواد غذایی	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش پوشاک

(خارج ۹۱ با تغییر)

۷۲۸. با توجه به تولید کالاها و خدمات جدول زیر، در مدت یک سال در یک جامعه فرضی و ۵۰ میلیون نفر جمعیت در این جامعه:

A	ماشین آلات	۲,۵۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	یک صد میلیون ریال
B	پوشاک	۷,۵۰۰ عدد از قرار هر عدد	یک میلیون ریال
C	مواد غذایی	۲۵۰ تن از قرار هر تن	شصت میلیون ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{3}{5}$ ارزش مواد غذایی	

A	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال
C	تولید خارجیان مقیم کشور	۲۱ میلیارد ریال
D	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

۱	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	به ارزش ۶۵ میلیارد ریال
۲	تولید خارجیان مقیم کشور	به ارزش ۱۵ میلیارد ریال
۳	خدمات ارائه شده	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
۴	جمعیت کل کشور	۶۵ میلیون نفر

۱	تولید ناخالص داخلی	۲۵۰
۲	سهام تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۰
۳	تولید ناخالص ملی	۲۶۰

۳۰ (۴)

۵۰ (۳)

۲۰ (۲)

۱۰ (۱)

۷۲۶. با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه ارزش مجموع اقلام: مواد غذایی، پوشاک و ماشین آلات ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

- (الف) تولید ناخالص داخلی سرانه چقدر است؟
 (ب) تولید ناخالص داخلی در این جامعه کدام است؟
 (۱) الف (۱,۱۱۰ ب) ۲۱۱
 (۲) الف (۱,۱۱۰ ب) ۲۲۲
 (۳) الف (۱۱,۱۰۰ ب) ۲۱۱
 (۴) الف (۱۱,۱۰۰ ب) ۲۲۲

۷۲۷. در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای مقابل تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها، تولید ناخالص داخلی در این کشور چند میلیون ریال است؟

(سراسری ۹۰ با تغییر)

- (۱) ۳,۵۴۰
 (۲) ۳,۴۵۰
 (۳) ۳,۶۵۰
 (۴) ۳,۵۶۰

۷۲۸. با توجه به تولید کالاها و خدمات جدول زیر، در مدت یک سال در یک جامعه فرضی و ۵۰ میلیون نفر جمعیت در این جامعه:

- (الف) تولید ناخالص داخلی سرانه این جامعه چیست؟
 (ب) تولید ناخالص داخلی آن کدام است؟
 (۱) الف (۵,۶۳۰ ب) ۲۷۶,۵۰۰
 (۲) الف (۶,۳۵۰ ب) ۲۸۱,۵۰۰
 (۳) الف (۶,۳۵۰ ب) ۲۷۶,۵۰۰
 (۴) الف (۵,۶۳۰ ب) ۲۸۱,۵۰۰

۷۲۹. با توجه به مندرجات جدول مقابل، اگر مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین آلات و مواد غذایی» یک جامعه فرضی ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

- (الف) تولید ناخالص داخلی سرانه
 (ب) تولید ناخالص داخلی در این جامعه کدام است؟
 (۱) الف (۳,۲۴۰ ب) ۱۹۵
 (۲) الف (۴,۱۳۰ ب) ۱۸۱
 (۳) الف (۳,۴۲۰ ب) ۱۷۱
 (۴) الف (۴,۳۱۰ ب) ۱۵۷

۷۴۰. با توجه به مندرجات جدول داده شده و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام ماشین آلات، پوشاک و مواد غذایی در یک جامعه فرضی ۱۶۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

- (الف) تولید ناخالص داخلی
 (ب) تولید ناخالص داخلی سرانه کدام است؟ (خارج ۹۹ با تغییر)
 (۱) الف (۲۱۹ ب) ۳,۳۶۹
 (۲) الف (۲۹۱ ب) ۶,۳۳۹
 (۳) الف (۲۹۱ ب) ۳,۶۹۳
 (۴) الف (۱۹۲ ب) ۳,۹۶۳

۷۴۱. با توجه به داده‌های مذکور که اطلاعات استخراجی از «حساب‌های ملی» کشوری در سال جاری است، سهم «تولید خارجیان مقیم کشور» کدام است؟ (ارقام به میلیارد ریال هستند.)

۱	مواد غذایی ۲۵۰ تن هر تن به ارزش: ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	پوشاک ۴۰۰۰ عدد هر عدد به ارزش: ۱,۴۰۰,۰۰۰ ریال
۳	ماشین آلات ۱۷۵۰ دستگاه هر یک به ارزش: ۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴	ارزش تولید افراد کشور که مقیم خارج هستند: ۴۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۵	ارزش خدمات ارائه شده: ۲۰ درصد ارزش کل مواد غذایی
۶	جمعیت کل کشور: ۲۰ میلیون نفر
۷	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۸	هزینه استهلاک سالیانه: $\frac{1}{4}$ ارزش تولید افراد کشور که مقیم خارج هستند.

۷۴۲. با توجه به اطلاعات جدول مقابل، پاسخ پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

الف) تولید خالص ملی سرانۀ این جامعه کدام است؟

ب) تولید ناخالص داخلی این جامعه کدام است؟

ج) تولید خالص ملی این جامعه کدام است؟

۱) الف) ۱۰,۳۴۰ ریال ب) ۳۲۰/۶ میلیارد ریال ج) ۲۰۸/۶ میلیارد ریال

۲) الف) ۱۰,۴۳۰ ریال ب) ۳۲۰/۶ میلیارد ریال ج) ۲۰۸/۶ میلیارد ریال

۳) الف) ۱۰,۳۴۰ ریال ب) ۲۳۰/۶ میلیارد ریال ج) ۲۸۰/۶ میلیارد ریال

۴) الف) ۱۰,۴۳۰ ریال ب) ۲۳۰/۶ میلیارد ریال ج) ۲۰۸/۶ میلیارد ریال

۷۴۳. کشور A، ۱۲۵ میلیون نفر تبعه دارد که ۸۰ درصد این جمعیت در محدوده مرزهای جغرافیایی آن زندگی می‌کنند. همچنین به‌طور کلی ۱۲۵ میلیون نفر در محدوده مرزهای جغرافیایی این کشور زندگی می‌کنند که ۲۰ درصد آن‌ها خارجی هستند. با توجه به جدول زیر: (تولیدات کشور محدود به همین دو محصول برنج و چای است).

الف) تولید ناخالص داخلی کشور A کدام است؟

ب) تولید ناخالص ملی این کشور کدام است؟

هر فرد ۲۰۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۱۰۰ دلار	توسط اتباعی که در داخل سکونت دارند.	تولید برنج
هر فرد ۱۵۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۱۰۰ دلار	توسط خارجی‌های مقیم کشور	
هر فرد ۱۰۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۳۰ دلار	اتباع مقیم خارج از کشور	تولید چای
هر فرد ۲۵۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۴۰ دلار	توسط اتباعی که در داخل سکونت دارند.	
هر فرد ۵۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۴۰ دلار	توسط خارجی‌های مقیم کشور	
هر فرد ۱۰۰ کیلو به ارزش هر کیلو ۵۰ دلار	اتباع مقیم خارج از کشور	

۲) الف) ۳,۴۲۵ میلیارد دلار ب) ۳,۲۰۰ میلیارد دلار

۴) الف) ۳,۴۰۰ میلیارد دلار ب) ۳,۴۰۰ میلیارد دلار

۱) الف) ۳,۲۰۰ میلیارد دلار ب) ۳,۰۰۰ میلیارد دلار

۳) الف) ۳,۴۲۵ میلیارد دلار ب) ۳,۰۰۰ میلیارد دلار

۷۴۴. براساس جدول زیر پاسخ سؤالات در کدام گزینه آمده است؟

ارزش مواد غذایی و محصولات نهایی کشاورزی	۵۶,۰۰۰ میلیون دلار
ارزش برخی خدمات ارائه شده	۳۷,۰۰۰ میلیون دلار
ارزش تولید خالص داخلی	۴۳۰,۰۰۰ میلیون دلار
ارزش فعالیت‌های خارجیان مقیم کشور	۸۶,۰۰۰ میلیون دلار
قیمت کالاهای سرمایه‌ای	۱۰۵,۰۰۰ میلیون دلار
ارزش فعالیت‌های افراد کشور که مقیم خارج‌اند.	۵۳,۰۰۰ میلیون دلار
نرخ استهلاک سالانۀ کالاهای سرمایه‌ای	۱۲ درصد
جمعیت کشور	۴۰ میلیون نفر

ب) تولید ناخالص ملی کدام است؟

۲) الف) ۲۵,۶۷۵ میلیون دلار ب) ۸۲۷,۰۰۰ میلیون دلار

۴) الف) ۹,۹۲۵ میلیون دلار ب) ۴۰۹,۶۰۰ میلیون دلار

الف) سرانۀ تولید خالص ملی چقدر است؟

۱) الف) ۱۴,۲۲۵ میلیون دلار ب) ۵۸۱,۶۰۰ میلیون دلار

۳) الف) ۵,۹۶۰ میلیون دلار ب) ۲۵۱,۰۰۰ میلیون دلار

۷۴۵. در یک جامعه فرضی، در مدت یک سال، کالاهای داده شده تولید شده

است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها: (خارج ۸۸ و ۹۰)

الف) تولید خالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی، به ترتیب از (راست به چپ) چند ریال است؟

۱) الف) ۳,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ب) ۳,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰

۲) الف) ۳,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ب) ۳,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰

۳) الف) ۳,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ب) ۳,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰

۴) الف) ۳,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ب) ۳,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰

A	ارزش ماشین آلات	۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ارزش پوشاک	۸۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	ارزش مواد غذایی	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{9}$ ارزش پوشاک
E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{18}$ ارزش ماشین آلات

A	ارزش «خدمات ارائه شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	هزینه «استهلاک»	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
D	ارزش «تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند»	۴۵ میلیارد ریال
E	ارزش «تولید خارجیان مقیم کشور»	۲۵ میلیارد ریال

A	جمعیت کل کشور	۳۵ میلیون نفر
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	هزینه «استهلاک»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

A	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	هزینه «استهلاک»	۱۴ میلیارد ریال
C	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال
D	تولید خارجیان مقیم کشور	$\frac{1}{5}$ برابر «هزینه استهلاک»
E	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

A	هزینه «استهلاک»	$\frac{1}{5}$ تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کشور	۸۵ میلیون نفر
D	تولید خارجیان مقیم کشور	۲۰ میلیارد ریال
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۸۵ میلیارد ریال

۷۵۱. با توجه به مندرجات جدول مقابل، چنانچه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، مواد غذایی، ماشین آلات» در یک جامعه فرضی ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(خارج ۹۴)

الف) تولید «ناخالص داخلی»،
ب) تولید «خالص ملی»،

ج) تولید «خالص داخلی سرانه» به ترتیب کدام است؟

(۱) الف) ۲۲۰ (ب) ۲۰۵ (ج) ۴,۷۰۰

(۲) الف) ۲۰۵ (ب) ۲۰۰ (ج) ۳,۷۰۰

(۳) الف) ۲۰۰ (ب) ۲۰۵ (ج) ۳,۷۰۰

(۴) الف) ۱۹۰ (ب) ۲۰۰ (ج) ۴,۷۰۰

۷۵۲. با توجه به مندرجات جدول داده شده و همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «ماشین آلات و مواد غذایی و پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۵)

الف) تولید خالص «ملی»،

ب) تولید خالص داخلی «سرانه»،

ج) تولید «ناخالص داخلی» در این «جامعه» کدام است؟

(۱) الف) ۱۷۶ (ب) ۵,۰۰۰ (ج) ۲۰۶

(۲) الف) ۱۷۵ (ب) ۴,۰۰۰ (ج) ۲۰۶

(۳) الف) ۱۷۶ (ب) ۵,۰۰۰ (ج) ۲۰۵

(۴) الف) ۱۷۵ (ب) ۴,۰۰۰ (ج) ۲۰۵

۷۵۳. با توجه به مندرجات جدول داده شده و همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین آلات و مواد غذایی» یک جامعه فرضی ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(خارج ۹۵)

الف) تولید «خالص داخلی سرانه»،

ب) تولید «خالص ملی»،

ج) تولید «ناخالص داخلی» به ترتیب در این جامعه کدام است؟

(۱) الف) ۳,۱۴۰ (ب) ۱۵۷ (ج) ۱۹۵

(۲) الف) ۴,۱۳۰ (ب) ۱۷۱ (ج) ۱۸۱

(۳) الف) ۳,۱۴۰ (ب) ۱۸۱ (ج) ۱۷۱

(۴) الف) ۴,۱۳۰ (ب) ۱۹۵ (ج) ۱۵۷

۷۵۴. با توجه به مندرجات جدول مقابل همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام «مواد غذایی، ماشین آلات، پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۸۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۶ با تغییر)

الف) تولید خالص داخلی سرانه،

ب) تولید خالص داخلی،

ج) تولید خالص ملی به ترتیب کدام است؟

(۱) الف) ۲/۵۶ (ب) ۲۸۱ (ج) ۱۸۸

(۲) الف) ۳/۵۶ (ب) ۲۱۵ (ج) ۲۳۷

(۳) الف) ۲/۵۶ (ب) ۲۱۸ (ج) ۲۷۳

(۴) الف) ۳/۵۶ (ب) ۲۵۱ (ج) ۱۸۸

۷۵۵. اطلاعات استخراج شده از حساب های ملی کشوری با جمعیت ۸۰ میلیون نفر، مطابق جدول زیر است. اگر خالص تولید عوامل خارج از کشور ۴,۷۲۸ ریال باشد، «تولید خالص داخلی» و «تولید ناخالص داخلی سرانه» این کشور، به ترتیب چقدر است؟

(سراسری ۱۴۰)

ارزش افزوده بخش کشاورزی	۶۷,۲۹۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش صنعت	۳۹۲,۵۰۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش خدمات	۵۴۵,۸۹۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش ساختمان	$\frac{1}{5}$ برابر ارزش افزوده بخش کشاورزی
استهلاک سرمایه	۳۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت

(۱) ۹۸۸,۸۶۵ - ۱۳,۸۳۲/۶۸۷۵

(۲) ۹۹۳,۵۹۳ - ۷,۷۲۳,۸۵۰

(۳) ۵۰۰,۳۵۸ - ۱۳,۸۹۱/۷۸۷۵

(۴) ۵۰۰,۳۵۸ - ۷,۷۲۳,۸۵۰

۷۷۵. با توجه به اطلاعات داده شده، GDP یا همان تولید ناخالص داخلی در این جامعه فرضی چه میزان است؟

جمعیت کل	۴۰ میلیون نفر
مواد غذایی ۵۰۰ تن	هر تن به ارزش ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال
پوشاک ۲۵۰۰ عدد	هر عدد ۳۰,۰۰۰ ریال
ماشین آلات ۱۰۰ دستگاه	هر دستگاه ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
ارزش تولید افراد کشور که مقیم خارج هستند	۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
ارزش خدمات ارائه شده	۱۰ درصد ارزش کل مواد غذایی
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(۱) ۱,۷۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۲) ۱,۸۸۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۳) ۱,۸۸۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۴) ۱,۸۷۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۷۷۶. اگر مقدار GDP کشور آلمان در سال ۲۰۱۰ به قیمت ثابت، ۱۵۰,۰۰۰ میلیون یورو و میزان رشد تولیدات آن در سال ۲۰۱۰، ۲۰ درصد باشد، GDP آلمان در سال ۲۰۰۹ چه میزان بوده و مقدار تولیدات آن در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۹ چقدر رشد کرده است؟

(۱) ۱۲۰,۰۰۰ میلیون یورو - ۲۵,۰۰۰ میلیون یورو (۲) ۱۲۵,۰۰۰ میلیون یورو - ۳۰,۰۰۰ میلیون یورو
(۳) ۱۲۵,۰۰۰ میلیون یورو - ۲۵,۰۰۰ میلیون یورو (۴) ۱۲۰,۰۰۰ میلیون یورو - ۳۰,۰۰۰ میلیون یورو

۷۷۷. اقتصاددانان برای از میان بردن تأثیر تغییرات قیمت در اندازه‌گیری تولید کل جامعه، چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌دهند؟

- سال معینی را به‌عنوان سال پایه انتخاب می‌کنند و ارزش تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات در سال پایه اندازه‌گیری می‌کنند.
- سال معینی را به‌عنوان سال پایه انتخاب می‌کنند و ارزش تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات در سال جاری اندازه‌گیری می‌کنند.
- مقدار حقوق و سودهای سهام در بازار سرمایه را به قیمت جاری مورد استفاده قرار خواهند داد.
- مقدار حقوق و دستمزدها و سودهای سهام در بازار سرمایه را به قیمت ثابت (تورم هدررفته) مورد استفاده قرار خواهند داد.

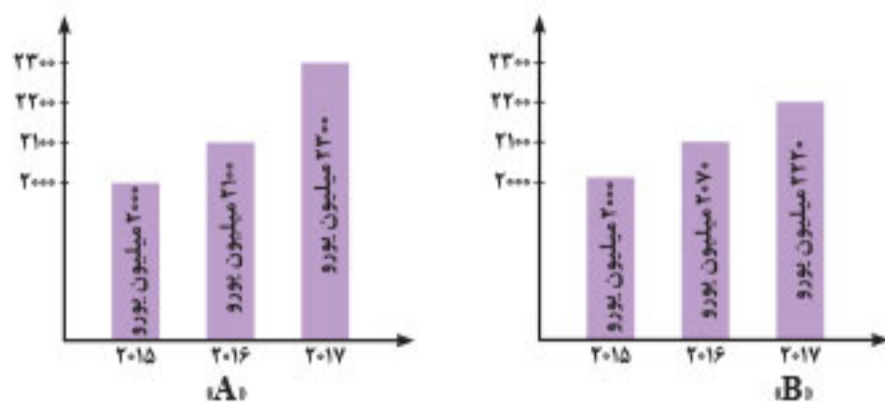
۷۷۸. نمودار «A» تولید کشور سوئیس در سه سال متوالی را نشان می‌دهد و

نمودار «B» تولید همان کشور با در نظر گرفتن سال اول یعنی سال ۲۰۱۵ به‌عنوان سال پایه است. بر این اساس:

الف) تورم در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ چند میلیون یورو است؟

ب) افزایش مقدار تولید در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ چند میلیون یورو است؟

- الف) (۳۰ - ۸۰) ب) (۱۰۰ - ۳۰۰)
- الف) (۷۰ - ۲۲۰) ب) (۳۰ - ۸۰)
- الف) (۳۰ - ۸۰) ب) (۷۰ - ۲۲۰)
- الف) (۷۰ - ۲۲۰) ب) (۱۰۰ - ۳۰۰)



۷۷۹. در یک سال معین جمعیت کشور «A»، ۸۰ میلیون نفر و جمعیت کشور «B»، ۱۰۰ میلیون نفر و در آمد سرانه دو کشور مساوی شده است. میزان در آمد ملی کشور «B» نسبت به در آمد ملی کشور «A» دارای چه وضعیتی است؟

(۱) ۲۰ درصد کمتر (۲) ۲۰ درصد بیشتر (۳) ۲۵ درصد بیشتر (۴) ۲۵ درصد کمتر

۷۸۰. در یک جامعه فرضی میزان تولید کل در سال ۱۳۸۷ به قیمت‌های جاری برابر با ۷,۵۰۰ هزار میلیارد ریال است. تأثیر قیمت‌ها و تأثیر مقدار تولید در سال ۱۳۸۹ به ترتیب (از راست به چپ) ۱۵۰ و ۷۵۰ هزار میلیارد ریال محاسبه شده است. در این صورت میزان تولید کل در سال ۱۳۸۹ برحسب قیمت‌های جاری برابر است با:

(۱) ۷,۶۵۰ (۲) ۸,۱۰۰ (۳) ۸,۲۵۰ (۴) ۸,۴۰۰

۷۸۱. میزان تولید کل یک کشور در سال پایه ۷,۰۰۰ و در سال مورد نظر نسبت به سال پایه، افزایش مقدار تولید معادل ۲,۰۰۰ هزار میلیارد ریال و افزایش قیمت‌ها معادل ۲,۵۰۰ هزار میلیارد ریال محاسبه شده است. میزان تولید کل در سال مورد نظر براساس قیمت‌های اسمی و واقعی به ترتیب (از راست به چپ) چقدر است؟

(۱) ۹,۰۰۰ - ۱۱,۵۰۰ (۲) ۸,۵۰۰ - ۹,۰۰۰ (۳) ۹,۰۰۰ - ۹,۵۰۰ (۴) ۷,۰۰۰ - ۷,۵۰۰

۷۸۲. با توجه به مندرجات جدول زیر، «تولید کل» به قیمت اسمی و قیمت واقعی در سال ۱۳۹۵ به ترتیب (از راست به چپ) کدام است؟ (سال ۱۳۹۳، سال پایه در نظر گرفته شده است).

کالا	سال ۱۳۹۳		سال ۱۳۹۵	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
A	۱۰۰	۲۰۰	۵۰	۳۰۰
B	۳۰۰	۴۰	۶۰۰	۱۰۰

(۱) ۳۴,۰۰۰ - ۵۷,۰۰۰ (۲) ۴۳,۰۰۰ - ۷۵,۰۰۰ (۳) ۳۴,۰۰۰ - ۷۵,۰۰۰ (۴) ۴۳,۰۰۰ - ۵۷,۰۰۰



۷۸۳. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر دربارهٔ کشوری فرضی، (سال ۱۳۹۰ سال پایه است):
 الف) افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال پایه چند ریال است؟
 ب) تولید کل به قیمت اسمی در سال ۱۳۹۱ چند ریال است؟
 ج) میزان تورم در سال ۱۳۹۱ چند ریال است؟
 د) تولید در سال پایه چند ریال است؟

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۱	
	مقدار (به کیلو)	قیمت هر واحد (به ریال)	مقدار (به کیلو)	قیمت هر واحد (به ریال)
A	۱۵۰	۳۰۰	۲۰۰	۴۰۰
B	۴۰۰	۶۰	۵۰۰	۱۲۰

- (۱) الف) ۲۱,۰۰۰ (ب) ۱۴۰,۰۰۰ (ج) ۵۰,۰۰۰ (د) ۶۹,۰۰۰
 (۲) الف) ۱۲۶,۰۰۰ (ب) ۲۴۰,۰۰۰ (ج) ۵۰,۰۰۰ (د) ۵۷,۰۰۰
 (۳) الف) ۹,۰۰۰ (ب) ۱۴۰,۰۰۰ (ج) ۲۱,۰۰۰ (د) ۶۹,۰۰۰
 (۴) الف) ۱۲۶,۰۰۰ (ب) ۲۴۰,۰۰۰ (ج) ۵۰,۰۰۰ (د) ۶۹,۰۰۰

۷۸۴. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر با فرض اینکه تنها دو کالای A و B در کشور تولید می‌شود و سال ۱۴۰۰ به‌عنوان سال پایه در نظر گرفته می‌شود، مطلوب است:

نام کالا	سال ۱۴۰۰		سال ۱۴۰۱		سال ۱۴۰۲	
	مقدار	قیمت (ریال)	مقدار	قیمت (ریال)	مقدار	قیمت (ریال)
A	۲۰۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۱۰	۲۵۰	۱۲۰
B	۱۰۰	۶۰	۱۴۰	۵۰	۱۲۰	۷۰

- (الف) تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری در سال ۱۴۰۱ چقدر است؟
 (ب) تولید ناخالص داخلی واقعی در سال ۱۴۰۲ چقدر است؟
 (۱) الف) ۳۳,۴۰۰ (ب) ۳۲,۲۰۰ ریال
 (۲) الف) ۳۰,۳۰۰ (ب) ۳۲,۲۰۰ ریال
 (۳) الف) ۳۳,۴۰۰ (ب) ۲۳,۲۰۰ ریال
 (۴) الف) ۳۴,۳۰۰ (ب) ۲۳,۲۰۰ ریال

۷۸۵. با توجه به مندرجات جدول زیر با فرض اینکه سال ۹۵، سال پایه است: به ترتیب تولید کل به قیمت اسمی و واقعی در سال ۱۳۹۷ چند تومان و عدد مربوط به پدیدهٔ تورم در سال ۱۳۹۶ کدام است؟

کالا	سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۷	
	مقدار (به کیلو)	قیمت (به تومان)	مقدار (به کیلو)	قیمت (به تومان)	مقدار (به کیلو)	قیمت (به تومان)
A	۲۶	۸۳	۳۱	۹۴	۲۹	۱۰۲
B	۱۵	۹۰	۱۷	۹۵	۲۱	۹۹

- (۱) ۴۲۶ - ۴,۹۲۷ - ۵,۰۷۳ (۲) ۴۲۶ - ۴,۲۹۷ - ۵,۰۳۷ (۳) ۴۶۲ - ۴,۲۹۷ - ۵,۰۳۷ (۴) ۴۶۲ - ۴,۹۲۷ - ۵,۰۳۷

۷۸۶. تولیدات کشوری در دو دستهٔ A و B تقسیم شده است. با توجه به قیمت تولیدات کشور در دو سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی:
 الف) میزان تولیدات واقعی در سال ۲۰۲۳ چند دلار است؟
 ب) نرخ رشد تولید اسمی در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال ۲۰۲۲ چند دلار است؟

انواع تولیدات	سال ۲۰۲۲ (سال پایه)		سال ۲۰۲۳	
	قیمت هر واحد	مقدار تولید	قیمت هر واحد	مقدار تولید
A	۲,۰۰۰	۶۰	۴,۰۰۰	۸۰
B	۱,۰۰۰	۸۰	۱,۴۰۰	۱۰۰

- (۱) الف) ۲۲۰,۰۰۰ (ب) ۱۲۰ درصد
 (۲) الف) ۲۶۰,۰۰۰ (ب) ۸۰ درصد
 (۳) الف) ۲۲۰,۰۰۰ (ب) ۸۰ درصد
 (۴) الف) ۲۶۰,۰۰۰ (ب) ۱۲۰ درصد

۷۸۷. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول داده‌شده به ترتیب از راست به چپ:
 الف) «تولید کل» به قیمت «اسمی» در سال ۱۳۹۲ و «تولید کل» به قیمت «واقعی» در سال ۱۳۹۲ کدام است؟ (سال ۱۳۹۰ سال پایه در نظر گرفته می‌شود).

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۲	
	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار
A	۳۰۰	۱۵۰	۴۰۰	۷۵
B	۶۰	۴۰۰	۱۲۰	۷۰۰

- (۱) الف) ۱۱۴,۰۰۰ (ب) ۶۵,۴۰۰ (۲) الف) ۱۱۴,۰۰۰ (ب) ۶۴,۵۰۰ (۳) الف) ۱۴۱,۰۰۰ (ب) ۶۴,۵۰۰ (۴) الف) ۱۴۱,۰۰۰ (ب) ۶۵,۴۰۰

۷۹۵. پاسخ درست سؤالات زیر در کدام گزینه آمده است؟

- الف) در شرایطی که درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک‌ها قابل ثبت نیست، از چه راهکاری استفاده می‌کنیم؟
 ب) برای محاسبه شاخص دهک‌ها مردم کشور را به چند گروه جمعیتی تقسیم می‌کنند؟
 ج) در شاخص دهک‌ها کدام گروه کمترین درصد درآمد ملی را داراست؟
 د) اگر نسبت دهک آخر به دهک اول در سال جاری در مقایسه با نسبت دهک آخر به دهک اول در سال گذشته یک کشور عددی بزرگ‌تر را نشان دهد، وضعیت توزیع درآمد در آن کشور چه تغییری کرده است؟

- ۱) الف) محاسبه اختلاف هزینه‌های برای به دست آوردن اختلاف درآمدی (ب) پنج گروه (ج) دهک اول (د) مناسب‌تر شده است.
 ۲) الف) محاسبه اختلاف درآمدی با توجه به مالیات‌های پرداخت‌شده (ب) پنج گروه (ج) دهک پنجم (د) نامناسب‌تر شده است.
 ۳) الف) محاسبه اختلاف هزینه‌های برای به دست آوردن اختلاف درآمدی (ب) ده گروه (ج) دهک اول (د) نامناسب‌تر شده است.
 ۴) الف) محاسبه اختلاف درآمدی با توجه به مالیات‌های پرداخت‌شده (ب) ده گروه (ج) دهک دهم (د) مناسب‌تر شده است.

۷۹۶. چه تعداد از عبارات‌های زیر حاوی اطلاعات درست در رابطه با شاخص دهک‌هاست؟

- الف) شاخص دهک‌ها تنها شاخص مناسب برای سنجش وضعیت توزیع درآمد و نشان دادن پیشرفت‌ها در زمینه عدالت اقتصادی است.
 ب) برای محاسبه این شاخص مردم کشور را به ده گروه جمعیتی تقسیم می‌کنند که در این طبقه‌بندی، سطح درآمد کمترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد.
 ج) هرچه نسبت دهک دهم به دهک اول عدد بزرگ‌تری را نشان دهد، توزیع درآمد در آن جامعه عادلانه‌تر است.
 د) در تشکیل جدول دهک‌ها، جمعیت هر گروه با گروه‌های دیگر برابر است و طیف‌های مختلف درآمدی را در جامعه نشان می‌دهد.

- ۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷۹۷. دهک آخر و دهک اول در جدول توزیع درآمد، به ترتیب دارای چه خصوصیتی می‌باشند؟

- ۱) کمترین سهم از درآمد ملی - ده درصد جمعیت
 ۲) ده درصد درآمد ملی - بیشترین سهم از درآمد ملی
 ۳) ده درصد جمعیت - کمترین سهم از درآمد ملی
 ۴) بیشترین سهم از درآمد ملی - ده درصد درآمد ملی

۷۹۸. جدول مقابل مبین چگونگی توزیع درآمد در کشور A طی سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

الف) شاخص دهک‌ها در این کشور از روش ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین جامعه برابر با چه مقداری است؟

ب) اگر مجموع سهم دهک‌های اول و چهارم برابر ۱۰ و اختلاف سهم دهک‌های هفتم و چهارم برابر ۵ و همچنین سهم دهک نهم ۳ برابر سهم دهک سوم باشد، به ترتیب سهم دهک‌های سوم، چهارم، هفتم، و نهم چند درصد است؟

- ۱) الف) ۶ (ب) ۵، ۷، ۱۲ و ۱۵
 ۲) الف) ۷ (ب) ۶، ۷، ۱۲ و ۱۸
 ۳) الف) ۶ (ب) ۶، ۷، ۱۲ و ۱۸
 ۴) الف) ۷ (ب) ۵، ۷، ۱۲ و ۱۵

۷۹۹. اطلاعات فرقی جدول مقابل بیانگر توزیع درآمد ایران در سال ۱۳۷۷

شمسی براساس «شاخص دهک‌ها» است. چنانچه تفاوت سهام دهک اول الی دهک چهارم: ۱ درصد، تفاوت سهام دهک ششم و هشتم: ۳ درصد و تفاوت سهام دهک هشتم و دهم: ۱۱ درصد باشد، سهم «دهک دوم»، سهم «دهک چهارم»، سهم «دهک هشتم» و سهم «دهک دهم» به ترتیب چند درصد است؟

(سراسری ۸۸)

۱) پنج - هفت - دوازده - بیست و سه

۲) پنج - هفت - یازده و نیم - بیست و سه و نیم

۳) چهار و نیم - هفت و نیم - دوازده - بیست و سه

۴) چهار و نیم - هفت و نیم - یازده و نیم - بیست و سه و نیم

وضعیت توزیع درآمد در کشور A طی سال ۱۳۹۹

سهم دهک اول	۲ درصد
سهم دهک دوم	۳ درصد
سهم دهک سوم	؟
سهم دهک چهارم	؟
سهم دهک پنجم	۹ درصد
سهم دهک ششم	۱۱ درصد
سهم دهک هفتم	؟
سهم دهک هشتم	۱۴ درصد
سهم دهک نهم	؟
سهم دهک دهم	۲۱ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

جدول وضعیت توزیع درآمد ایران در سال ۱۳۷۷ شمسی

سهم دهک اول	۴ درصد
سهم دهک دوم	؟
سهم دهک سوم	۶ درصد
سهم دهک چهارم	؟
سهم دهک پنجم	۹ درصد
سهم دهک ششم	۹ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰/۵
سهم دهک هشتم	؟
سهم دهک نهم	۱۴/۵ درصد
سهم دهک دهم	؟
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی



(خارج ۱۴۰۲)

۸۴۱. بخشی از جدول شاخص دهک در دو کشور «الف» و «ب» مطابق زیر در نظر گرفته شده است. کدام مورد درست است؟

سال	کشور «الف»		کشور «ب»	
	سهام دهک اول	سهام دهک دهم	سهام دهک اول	سهام دهک دهم
۱۳۷۰	۳	۲۱	۵	۱۸
۱۳۸۰	۴	۲۰	۶	۱۵
۱۴۰۰	۴	۱۹	۷	۱۶

- (۱) توزیع درآمد در هر دو کشور بهبود یافته است.
 (۲) توزیع درآمد در کشور «الف»، عادلانه‌تر از کشور «ب» است.
 (۳) توزیع درآمد در کشور «ب»، ناعادلانه‌تر از کشور «الف» است.
 (۴) توزیع درآمد در کشور «الف»، عادلانه و در کشور «ب» ناعادلانه است.

شاخص توسعه انسانی

۸۴۲. کدام گزینه بیانگر مواردی است که شامل مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی نمی‌شود؟

- (الف) میزان امید به زندگی
 (ب) شاخص پایداری محیطی
 (ج) شاخص توزیع عادلانه درآمد
 (د) سرانه درآمد ناخالص ملی
 (ه) نرخ باروری
 (و) میانگین سال‌های تحصیل
- (۱) ج
 (۲) د - ه
 (۳) ب - و
 (۴) الف

۸۴۳. چه تعداد از موارد زیر از مؤلفه‌هایی است که در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شود؟

«مبارزه با فساد - تولید ناخالص داخلی - بهبود فضای کسب و کار - بهداشت عمومی - نابرابری‌های جنسیتی - رشد علم و فناوری - دسترسی به آب آشامیدنی سالم - شاخص توزیع عادلانه درآمد»

- (۱) چهار
 (۲) سه
 (۳) پنج
 (۴) شش

۸۴۴. در کدام گزینه همه موارد ذکر شده، زیرمجموعه «شاخص توسعه انسانی» است؟

- (۱) میزان امید به زندگی در بدو تولد - دسترسی به آب آشامیدنی سالم - نرخ باروری - شاخص‌های فقر و پایداری محیطی
 (۲) نرخ باروری - سرانه درآمد ناخالص ملی - نابرابری‌های جنسیتی - پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی
 (۳) میزان امید به زندگی در بدو تولد - بهبود فضای کسب و کار - سرانه درآمد ناخالص ملی - رشد علم و فناوری
 (۴) شاخص‌های فقر و پایداری محیطی - بهداشت عمومی - نابرابری‌های جنسیتی - مبارزه با فساد

۸۴۵. همه گزینه‌ها در مورد شاخص‌های پیشرفت اقتصادی کشورها درست هستند: به جز _____

- (۱) با در نظر گرفتن اصل هزینه فرصت، کشورهای مختلف برای اینکه به موهبت‌های رشد اقتصادی در آینده برسند، از منابع قابل استفاده برای ساختن کالاهای مصرفی در زمان حال صرف‌نظر می‌کنند.
 (۲) زیاد شدن مقدار واقعی تولید در مقطعی مشخص نسبت به دوره قبل، نقطه معینی روی PPF را به نقطه‌ای بالاتر بر روی منحنی تغییر خواهد داد: زیرا این مسئله بیانگر فضای بیشتر تولید کالا و خدمات در آن جامعه است.
 (۳) با در نظر گرفتن این موضوع که هر تولید داخلی درآمدی را برای عرضه‌کنندگان آن ایجاد کرده است، قادر خواهیم بود درآمد سرانه را شاخصی برای محاسبه رشد اقتصادی محسوب کنیم با این بیان که این شاخص از مؤلفه‌های شاخص HDI است.
 (۴) زیاد شدن عرضه نیروی کار به وسیله زیاد شدن جمعیت، زیاد شدن سرمایه فیزیکی به وسیله سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها و ساختمان‌های اداری و زیاد شدن سرمایه انسانی به دلیل آموزش وسیع‌تر، قادر خواهد بود منبعی برای رشد اقتصادی باشد.

۸۴۶. کدام یک از گزینه‌های زیر جاهای خالی را به درستی کامل می‌کند؟

- «در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه _____ قرار دارد و جزء کشورهای _____ به شمار می‌رود و مؤلفه‌های _____ و _____ در گزارش توسعه انسانی منعکس می‌شود.»
- (۱) ۱۶۵ام - با توسعه یافتگی متوسط - امید به زندگی در بدو تولد - پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی
 (۲) ۱۵۶ام - با توسعه یافتگی بسیار بالا - بهبود فضای کسب و کار - موضوعات محیط‌زیستی
 (۳) ۱۶۵ام - با توسعه یافتگی بالا - میانگین سال‌های تحصیل - نابرابری‌های جنسیتی
 (۴) ۱۵۶ام - با توسعه یافتگی نسبتاً پایین - درآمد ناخالص ملی سرانه - نرخ باروری

۸۴۷. HDI علامت اختصاری کدام «شاخص» است و کدام شاخص در آن منظور نمی‌شود؟

- (۱) درآمد سرانه - گسترش مراکز تولیدی
 (۲) درآمد سرانه - سرانه درآمد ناخالص ملی
 (۳) توسعه انسانی - سرانه درآمد ناخالص ملی
 (۴) توسعه انسانی - گسترش مراکز تولیدی

(خارج ۱۴۰۲)

۸۴۸. در عبارت‌های زیر، به چند ویژگی کشورهای پیشرفته اشاره شده است؟

- علاقه‌مندی به کسب درآمد و روحیه فردی برای تلاش اقتصادی در این کشورها برجسته است.
 - از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند.
 - درآمدها به صورت عادلانه‌تری توزیع شده است.
 - در سطح منطقه و جهان تأثیر گذارند.
 - این کشورها فاقد بیکاری می‌باشند.

- (۱) شش
 (۲) پنج
 (۳) چهار
 (۴) سه

فصل سوم درس یازدهم

۷۰۶. الف ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور در طول سال، تولید ناخالص داخلی نام دارد. (ب) با فرض اینکه هر تولید داخلی، درآمدهای را برای تولیدکنندگان ایجاد کرده است، می توان درآمد داخلی را معادل تولید داخلی دانست. (ج) مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان می باشد.

۷۰۷. ب خرید و فروش کالاهای دست دوم و همچنین کارهای بدون دستمزد مانند کارهایی که در خانه انجام می شود یا خدماتی که در خیریه ها به صورت داوطلبانه ارائه می شود و پولی برای آن ها ردوبدل نمی شود از جمله مواردی هستند که به دلیل دشواری های محاسباتی در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شوند.

۷۰۸. ب ۵۰ کیلوگرمی که بین اهالی مزرعه تقسیم شده است، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود.

$$50 \times 50,000 = 2,500,000$$

قیمت مقدار عمل فروخته شده

در بازارهای محلی

$$100 \times 650,000 = 65,000,000$$

قیمت مقدار عمل فروخته شده

به کارخانه های سوهان عسلی

تولید ناخالص داخلی $2,500,000 + 65,000,000 = 67,500,000$

الف عسلی که به کارخانه سوهان عسلی فروخته شده است یک کالای واسطه ای است چراکه تبدیل به سوهان عسلی می شود. $100 \times 50,000 = 5,000,000$

۷۰۹. ب بررسی عبارت ها: الف کارهایی که برای آن ها پولی ردوبدل نمی شود، کارهای بدون دستمزد هستند که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود. ب تولید ناخالص داخلی تنها کالا و خدمات نهایی را شامل می شود نه محصولات واسطه ای را (چرم برای تولید صندلی). ج چون اطلاعات دقیقی از تولیدات غیرقانونی و قاچاق در دسترس نیست و محاسبه آن ها در حکم مشروعیت بخشی به آن ها است، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود و فروش دی وی دی های غیرمجاز مصداق این عمل است.

۷۱۰. الف تولیدات اقتصاد زیرزمینی یا همان تولیدات غیرقانونی یا قاچاق از جمله اقلامی هستند که به دلیل دشواری های محاسباتی، در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند، از طرفی اطلاعات دقیقی از آن ها در دسترس نیست و همچنین محاسبه آن ها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت ها تلقی می شود.

۷۱۱. ب موارد «الف»، «ب» و «و» در تولید ناخالص داخلی محاسبه می شوند. اما موارد «ج» و «د» به دلیل بدون دستمزد بودن و مورد «ه» به دلیل غیرقانونی بودن، در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند.

$$712. \text{تولید ناخالص} - \text{تولید ناخالص}$$

$$100 \times \frac{\text{داخلی سال قبل} - \text{داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} = \text{نرخ رشد تولید}$$

۷۱۳. ب رشد به معنی افزایش تولید است و کشورها معمولاً با سرمایه گذاری بیشتر یا با به کارگیری روش های بهتر و فناوری مناسب تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند (موارد الف و د)، همچنین منشأ دیگر رشد اقتصادی، افزایش در منابع است، برای مثال رشد جمعیت در طول زمان منجر به عرضه بیشتر نیروی کار و در نتیجه افزایش نرخ رشد می شود (مورد ب)، اما بهبود وضعیت توزیع درآمد از مؤلفه های پیشرفت اقتصادی است و در نرخ رشد تأثیری ندارد. (مورد ج)

۷۱۴. ب میلیارد ریال $2,326 = \frac{1}{4} \times 4,652 =$ درآمد کارمندان
 $9,670 + 4,652 + 914 + 3,874 + 2,326 =$ درآمد داخلی
 میلیارد ریال $21,436 =$

$$\text{الف} \quad \frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{21,436}{82} = 261,414 = \text{درآمد داخلی سرانه}$$

۶۹۷. ب بررسی عبارت نادرست: کشورهای پیشرفته معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند و درآمدها به صورت عادلانه تری توزیع شده است نه به طور مساوی.

۶۹۸. ج رشد به معنای افزایش تولید است، بنابراین مفهومی کمی است و ارتقاء سطح آموزش و یا بهداشت به رشد مربوط نمی شود؛ بنابراین موارد «ب» و «ج» از مصادیق رشد محسوب نمی شود، چرا که در آن افزایش در تعداد تولیدات و درآمد مشاهده نمی شود و تنها ارتقاء کیفی سطح زندگی افراد و جامعه مدنظر است و مصداق توسعه می باشد.

۶۹۹. ب با به کارگیری شاخص تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه می توان وضعیت رشد یک کشور را نسبت به گذشته مقایسه کرد، اما باید توجه داشت که محاسبه این شاخص ها با قیمت های جاری، ممکن است رشد کاذبی را در اثر تورم به ما نشان دهد، در نتیجه با محاسبه شاخص ها با قیمت های واقعی و ثابت، می توان به معیارهای قابل اعتمادتری برای مقایسه دست یافت.

۷۰۰. ا همان طور که می دانیم رشد به معنای افزایش تولید (مورد الف) و یکی از منابع و عوامل رشد اقتصاد، افزایش در منابع آن است؛ مانند عرضه بیشتر نیروی کار، (مورد ب) و افزایش و ارتقاء سرمایه فیزیکی (مورد ج) بالا بردن ارزش محصولات به معنی تولید بیشتر نمی باشد و در نرخ رشد مؤثر واقع نخواهد شد. (مورد د)

نکته: توزیع عادلانه درآمد از مؤلفه های پیشرفت اقتصادی است نه رشد! (مورد ه)

۷۰۱. الف مؤلفه های پیشرفت اقتصادی عبارتند از رشد اقتصادی که برابر است با تولید ناخالص داخلی، شاخص های توسعه انسانی و شاخص توزیع عادلانه درآمد. (ب) کشورها معمولاً با سرمایه گذاری و به کارگیری فناوری مناسب تر ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند. (ج) یک منشأ رشد اقتصادی افزایش منابع است. (د) هر جا که بحث از افزایش تولید کالا و خدمات در میان است مفهوم موردنظر برابر است با رشد اقتصادی.

۷۰۲. ب از راه های رسیدن به رشد اقتصادی، افزایش سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می یابد. یکی از شاخص های رایج جهانی برای اندازه گیری پیشرفت های اقتصادی کشورهای گوناگون، شاخص های توسعه انسانی (HDI) است. مؤلفه هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال تحصیلی، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص های نابرابری تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است.

۷۰۳. ب زمانی که با گذر زمان، ظرفیت تولیدی رشد و توسعه یابد یعنی به رشد اقتصادی دست یافته است و مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می شود؛ مانند گزینه «۲» اما در گزینه «۳» دقیقاً برعکس رشد اقتصادی حرکت کرده است و در گزینه های «۱» و «۴» هم امکانات ما زیاده تر نشده است که رشدی داشته باشیم و فقط روی همان نمودار قبلی جابه جا شده است.

۷۰۴. ا اندیشمندان کشورمان به دنبال دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت هستند؛ الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی ما سازگار است و بتواند راه روشنی پیش پای مردم قرار دهد.

۷۰۵. ب تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولیدشده در یک سال تقویمی است و شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی شود.

(ج) تنها کالا و خدمات نهایی در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می شود نه محصولات واسطه ای، چرا که با محاسبه ارزش کل کالاهای تولیدشده، خودبه خود ارزش کالاهای واسطه ای که در آن به کار رفته است نیز محاسبه می شود. (د) کار بدون دستمزد مانند کارهایی که در منزل انجام می شود و پولی برای آن ها رد و بدل نمی شود، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود. (و) تولید ناخالص داخلی، تولیداتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می شود را شامل می شود.

۷۲۰. ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ خرید و فروش تلفن‌های همراه دست دوم به دلیل دست دوم بودن کالا، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند. ۳ برگزاری مراسمات و برنامه‌های تفریحی در آسایشگاه سالمندان به دلیل رایگان بودن خدمات، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند. ۴ حضور دانشجویان و دانش‌آموزان در اردوهای جهادی به دلیل رایگان بودن خدمات ارائه‌شده، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند.

۷۲۱. ۲

تومان $۲,۵۰۰,۰۰۰ + ۱,۵۰۰,۰۰۰ = ۴,۰۰۰,۰۰۰$ درآمد ماهیانه آقای هاشمی
تومان $۳,۰۰۰,۰۰۰$ درآمد ماهیانه خانم هاشمی
تومان $۴,۰۰۰,۰۰۰ + ۳,۰۰۰,۰۰۰ = ۷,۰۰۰,۰۰۰$ مجموع درآمد خانواده \Rightarrow

نکته: درآمد حاصل از فروش جواهرات به علت اینکه حاصل از فروش کالای دست دوم است، در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود.

۷۲۲. ۴ توجه داشته باشید که تولید ناخالص داخلی، ارزش کالاها و خدماتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، دربر می‌گیرد؛ در نتیجه ارزش هر آنچه که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود یا هر خدماتی که در داخل مرزهای یک کشور ارائه می‌شود (صرف‌نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است)، در تولید ناخالص داخلی لحاظ خواهد شد، اما محصولی که خارج از مرزهای یک کشور توسط شهروندان آن کشور عرضه می‌شود، مشمول تولید ناخالص داخلی نمی‌باشد.

۷۲۳. ۳ تولید ناخالص داخلی (GDP) واقعی از حاصل ضرب مقدار سال مورد نظر در قیمت سال پایه (۱۳۹۵) به دست می‌آید:

$$\text{GDP واقعی سال } ۱۳۹۵: (۵۰۰ \times ۱۰۰) + (۱۶ \times ۵۰) = ۵۰,۸۰۰$$

$$\text{GDP واقعی سال } ۱۳۹۶: (۶۰۰ \times ۱۰۰) + (۲۰ \times ۵۰) = ۶۱,۰۰۰$$

$$\text{GDP واقعی سال } ۱۳۹۷: (۷۰۰ \times ۱۰۰) + (۲۵ \times ۵۰) = ۷۱,۲۵۰$$

$$\text{نرخ رشد GDP سال قبل - GDP سال مورد نظر} = \frac{\text{GDP سال قبل} - \text{GDP سال مورد نظر}}{\text{GDP سال قبل}} \times ۱۰۰$$

$$\text{نرخ رشد } ۱۳۹۶ = \frac{۶۱,۰۰۰ - ۵۰,۸۰۰}{۵۰,۸۰۰} \times ۱۰۰ \approx ۲۰\%$$

$$\text{نرخ رشد } ۱۳۹۷ = \frac{۷۱,۲۵۰ - ۶۱,۰۰۰}{۶۱,۰۰۰} \times ۱۰۰ \approx ۱۶/۸۰\%$$

توجه: گاهی اوقات اعداد داده‌شده در گزینه‌ها، تقریبی هستند و بدیهی است که دانش‌آموزان عزیز، می‌بایست نزدیک‌ترین عدد ذکرشده در گزینه‌ها را انتخاب کنند.

۷۲۴. ۳ تولید ناخالص داخلی شامل آن دسته از کالاهایی می‌شود که داخل مرزهای یک کشور تولید شوند؛ فارغ از اینکه تولیدکننده آن تبعه همان کشور باشد یا خیر و یا داخل مرزهای همان کشور سکونت دارد یا خیر، پس تنها ویژگی لازم برای تولید ناخالص داخلی آن است که در داخل مرزهای کشور تولید شوند، همچنین صادرات آن به خارج از کشور یا استفاده از مواد اولیه خارجی در تولید کالا، آن را از شمول تولید ناخالص داخلی خارج نمی‌کند.

لازم به ذکر است هیچ‌گونه شرایط خاصی برای تولیدکننده کالای مشمول تولید ناخالص داخلی از لحاظ سنی ذکر نشده است؛ البته چنانچه تولیدکننده زیر ۱۵ سال سن داشته باشد، چون هنوز به سن قانونی برای کار نرسیده، فعالیت او غیرقانونی خواهد بود.

۷۱۵. ۲ مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شوند:

تعمیر یخچال و فریزر همسایه \leftarrow در ازای دریافت پول است.
تولید ترشی و رب‌خانگی جهت فروش \leftarrow در ازای دریافت پول است.
تولیدات دو فرد پاکستانی در ایران \leftarrow داخل مرزهای ایران انجام می‌شود.
مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود:
فروش گوشی دست دوم به یکی از دوستان \leftarrow کالای دست دوم است.
ارائه خدمات نگهداری از معلولین \leftarrow بدون دستمزد است.
فروش گوجه‌فرنگی به یک کارخانه رب‌سازی \leftarrow کالای واسطه‌ای است.

۷۱۶. ۳

تولید ناخالص داخلی (الف)

مجموع ارزش تمام اقلام تولیدی در داخل کشور در طول یک سال

$$\text{میلیارد دلار } ۱۹۴ = ۸۰ + ۱۸ + ۴/۸ + ۲۷ + ۱۲/۲ + ۳۲ + (۱/۴ \times ۸۰)$$

$$۲۴,۲۵۰ = \frac{۱۹۴ \text{ میلیارد}}{۸ \text{ میلیون}} = \frac{\text{تولید ناخالصی داخلی}}{\text{جمعیت}} = \text{درآمد داخلی سرانه (ب)}$$

۷۱۷. ۱ (الف) $۱,۶۰۰ = ۲,۴۰۰ \times \frac{۲}{۳}$ درآمد سرمایه‌گذاران

میلیارد دلار $۱,۲۰۰ = ۸۰۰ \times \frac{۳}{۴}$ درآمد شرکت‌های تولیدی

میلیارد دلار $۹۶۰ = ۱,۶۰۰ \times \frac{۳}{۵}$ خدمات

میلیارد دلار $۶۴۰ = (۸۰۰ + ۲,۴۰۰) \times \frac{۲۰}{۱۰۰}$ درآمد صاحبان مشاغل آزاد

مجموع همه درآمدها = درآمد داخلی کشور

میلیارد دلار $۷,۶۰۰ = ۸۰۰ + ۲,۴۰۰ + ۱,۶۰۰ + ۱,۲۰۰ + ۹۶۰ + ۶۴۰$

(ب) $۲۰۰,۰۰۰ = \frac{۷,۶۰۰ \text{ میلیون}}{۳۸ \text{ میلیون}} = \frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کل}} = \text{درآمد داخلی سرانه}$

۷۱۸. ۲ برخلاف گزینه‌های «۱» و «۳» که بدون دستمزد هستند و در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند، عمل تعریف‌شده در گزینه «۲» در مقابل اجرت است، یعنی در ازای دریافت پول انجام شده است، در نتیجه در تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. دقت شود که در گزینه «۴» علی‌رغم رد و بدل شدن پول در مقابل خدمات، به دلیل غیرقانونی بودن فعالیت انجام‌شده، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

۷۱۹. ۳ تولید ناخالص داخلی شامل ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی است که در طول یک سال داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور تولید می‌شود؛ چه توسط اتباع خود کشور و چه توسط خارجیانی مقیم کشور؛ در نتیجه تولید ناخالص داخلی مساوی است با:

$$۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲۰}{۱۰۰} = \text{تعداد خارجیانی ساکن کشور}$$

$$۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = \text{اتباع مقیم در داخل کشور}$$

$$۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲۰۰ \times ۱۰۰ = \text{مقدار تولید خرما توسط اتباع مقیم کشور}$$

$$۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲,۰۰۰ \text{ میلیارد دلار}$$

$$۲۵,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۵۰ \times ۱۰۰ = \text{مقدار تولید خرما توسط خارجی‌های مقیم کشور}$$

$$۳۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۷۵ \text{ میلیارد دلار}$$

$$۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲۵۰ \times ۴۰ = \text{مقدار تولید گندم توسط اتباع مقیم کشور}$$

$$۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۰۰۰ \text{ میلیارد دلار}$$

$$۲۵,۰۰۰,۰۰۰ \times ۵۰ \times ۴۰ = \text{مقدار تولید گندم توسط خارجی‌های مقیم کشور}$$

$$۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰ \text{ میلیارد دلار}$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = ۲,۰۰۰ + ۳۷۵ + ۱,۰۰۰ + ۵۰ = ۳,۴۲۵ \text{ میلیارد دلار}$$

$$۷۳۰. ۴ \text{ الف} \quad = \frac{2}{3} \times ۶۹۶ = ۴۶۴ \quad \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات}$$

$$\text{درآمد حقوق‌بگیران} = \frac{2}{6} \times (۶۵۶ + ۴۶۶) = ۳۷۴$$

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{1}{3} \times (۶۹۶ + ۴۶۶) = ۳۸۷$$

$$\text{میلیارد ریال} = ۶۵۶ + ۴۶۴ + ۳۷۴ + ۶۹۶ + ۳۸۷ + ۴۶۶ = ۳,۰۴۳$$

$$\text{ب) ریال} = \frac{۳,۰۴۳,۰۰۰ \text{ میلیون}}{۵۰ \text{ جمعیت کشور}} = ۶۰/۸۶ \quad \text{درآمد داخلی سرانه}$$

ج) سرانه به معنی سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.
د) درآمد صاحبان سرمایه همان قیمت خدمات سرمایه است و درآمد صاحبان املاک و مستغلات بیانگر اجاره‌بها می‌باشد.

$$۷۳۱. ۱ \text{ الف} \quad = \frac{1}{3} \times (۹۸۶ + ۷۸۷) = ۵۹۱ \quad \text{درآمد حقوق‌بگیران}$$

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل} = \frac{2}{5} \times (۹۸۶ + ۸۹۴) = ۷۵۲$$

$$\text{دستمزدها} = \frac{1}{6} \times ۸۹۴ = ۱۴۹$$

$$\text{میلیارد ریال} = ۹۸۶ + ۵۹۱ + ۷۵۲ + ۸۹۴ + ۱۴۹ + ۷۸۷ = ۴,۱۵۹$$

ب) درآمد سرانه به معنی سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

$$\text{ج) ریال} = \frac{۴,۱۵۹,۰۰۰ \text{ میلیون}}{۴۵ \text{ جمعیت}} = ۹۲/۴۲ \quad \text{درآمد داخلی سرانه}$$

د) درآمد صاحبان سرمایه همان قیمت خدمات سرمایه است و درآمد صاحبان املاک و مستغلات بیانگر اجاره‌بها می‌باشد.

۷۳۲. ۱

$$\text{الف) درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{1}{3} \times (۹,۸۹۷ + ۸,۸۵۶) = ۶,۲۵۱$$

$$\text{سود شرکت‌ها و مؤسسات} = \frac{2}{3} \times ۹,۸۹۷ = ۶,۵۹۸$$

$$\text{درآمد حقوق‌بگیران} = \frac{1}{5} \times (۶۴۴۲ + ۸۸۵۶) = ۳,۰۵۹/۶ \approx ۳,۰۶۰$$

$$۹,۸۹۷ + ۶,۲۵۱ + ۶,۵۹۸ + ۶,۴۴۲ + ۳,۰۶۰ + ۸,۸۵۶$$

$$= ۴۱,۱۰۴ \quad \text{میلیارد ریال}$$

$$\text{ب) ریال} = \frac{۴۱,۱۰۴ \text{ میلیارد}}{۵۰ \text{ جمعیت کشور}} = ۸۲۲,۰۸۰ \quad \text{درآمد داخلی سرانه}$$

ج) سرانه به معنی سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

$$۷۳۳. ۴ \text{ الف} \quad = \frac{2}{3} \times (۳۴۸) = ۲۳۲ \quad \text{سود شرکت‌ها و مؤسسات}$$

$$\text{درآمد حقوق‌بگیران} = \frac{2}{6} \times (۳۲۸ + ۲۳۳) = ۱۸۷$$

$$\text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد} = \frac{1}{3} \times (۳۴۸ + ۲۳۳) = ۱۹۳$$

$$\text{میلیارد ریال} = ۳۲۸ + ۲۳۲ + ۱۸۷ + ۳۴۸ + ۱۹۳ + ۲۳۳ = ۱,۵۲۱$$

$$\text{ب) ریال} = \frac{۱,۵۲۱}{۵۰ \text{ جمعیت کشور}} = ۳۰/۴۲ \quad \text{درآمد داخلی سرانه}$$

ج) درآمد سرانه به معنی سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

$$۷۳۴. ۳ \text{ ب)} \quad = \frac{1}{4} \times ۴۴ = ۱۱ \quad \text{ارزش خدمات ارائه شده}$$

$$\text{میلیارد ریال} = ۱۵۰ + ۱۱ + ۴۴ = ۲۰۵ \quad \text{تولید ناخالص داخلی}$$

تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند محاسبه نمی‌شود زیرا تولید داخلی از تمام تولیدات داخل مرزهای جغرافیایی چه تولید مردم آن کشور چه تولید خارجی‌ان مقیم کشور تشکیل می‌شود.

$$\text{الف) تولید ناخالص داخلی} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت}} = \frac{۲۰۵,۰۰۰ \text{ میلیون}}{۵۰ \text{ میلیون}} = ۴,۱۰۰ \text{ ریال}$$

$$\Rightarrow \frac{۲۰۵,۰۰۰}{۵۰} = ۴,۱۰۰$$

۷۲۵. ۲ بررسی عبارتهایی که در تولید ناخالص داخلی کشور محاسبه

نمی‌شوند: فعالیت‌های داوطلبانه امدادی به علت رایگان بودن در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

تولیدات صنعتگر ایرانی در هند به علت خارج از مرزهای کشور بودن، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

تهیه و تکثیر کتب ممنوعه به علت غیرقانونی بودن در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

فروش مواد شوینده تولید شده در سال قبل به دلیل خارج بودن از سال تقویمی تولید ناخالص داخلی، در تولید ناخالص داخلی سال جاری محاسبه نمی‌شود.

تهیه انواع شیرینی برای مصرف شخصی به دلیل رایگان بودن، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

فروش گیلان و آلبالو به کارخانه کمپوت‌سازی به دلیل کالای واسطه‌ای بودن در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

خرید و فروش ماشین‌های کار کرده به دلیل کالای دست دوم بودن، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

۷۲۶. ۳ الف

$$\text{قیمت سال پ} = \text{تولید سال اسمی} \times \text{ارزش تولیدات در سال} = ۱۴۰۱ \text{ به قیمت واقعی}$$

$$\text{ریال} = ۶۰ \times ۴۰ = ۲,۴۰۰$$

$$\text{قیمت سال اسمی} \times \text{تولید سال اسمی} = \text{ارزش تولیدات در سال} = ۱۴۰۱ \text{ به قیمت اسمی}$$

$$\text{ریال} = ۶۰ \times ۵۰ = ۳,۰۰۰$$

$$\text{ب) ریال} = ۳۰ \times ۴۰ = ۱,۲۰۰ \quad \text{ارزش تولیدات در سال پایه}$$

$$\text{ریال} = ۲,۴۰۰ - ۱,۲۰۰ = ۱,۲۰۰ \quad \text{افزایش ناشی از رشد تولید در سال ۱۴۰۱}$$

$$\text{ریال} = ۳,۰۰۰ - ۲,۴۰۰ = ۶۰۰ \quad \text{افزایش ناشی از رشد قیمت در سال ۱۴۰۱}$$

۷۲۷. ۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ خرید و فروش فرش‌های دستباف کار کرده به دلیل دست دوم بودن در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود.

۳ تدریس زبان به کودکان کار به دلیل رایگان بودن در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود. ۴ واردات کالا به صورت قاچاق به دلیل غیرقانونی بودن در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود.

۷۲۸. ۴ الف) به سبب اینکه در کالاهای نهایی ارزش کالاهای واسطه‌ای نیز لحاظ می‌شود، برای به دست آوردن GDP یا همان تولید ناخالص داخلی فقط ارزش کالاهای نهایی را محاسبه می‌کنیم. ب) کاشت سبزیجات در منزل برای مصرف خانگی به دلیل اینکه پولی در مقابل آن گرفته نمی‌شود، برای محاسبه کردن GDP یا همان تولید ناخالص داخلی از آن چشم‌پوشی می‌کنیم.

۷۲۹. ۳ الف) $\text{درآمد حقوق‌بگیران} = \frac{1}{4} \times ۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ = ۱۷۴,۷۳۹,۵۰۰$

$$\text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات} = \frac{2}{5} \times ۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ = ۲۷۳,۶۹۰,۰۰۰$$

$$\text{دستمزدها} = \frac{1}{3} \times ۲۷۳,۶۹۰,۰۰۰ = ۹۱,۲۳۰,۰۰۰$$

$$\text{درآمد داخلی} = ۱۷۴,۷۳۹,۵۰۰ + ۲۷۳,۶۹۰,۰۰۰ + ۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰$$

$$\text{ریال} = ۹۱,۲۳۰,۰۰۰ + ۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ + ۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ = ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰$$

$$\text{ب) ریال} = \frac{۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰}{۷۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۲۸/۹۶ \quad \text{درآمد داخلی سرانه}$$

ج) سرانه به معنی سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد یا تولید آن جامعه است.

۴. ۷۴۲

ریال $250 \times 100,000,000 = 25,000,000,000$ = مواد غذاییریال $4000 \times 1,400,000 = 5,600,000,000$ = پوشاکریال $1750 \times 80,000,000 = 140,000,000,000$ = ماشین آلاتریال $\frac{20}{100} \times 25,000,000,000 = 5,000,000,000$ = خدماتریال $\frac{1}{4} \times 44,000,000,000 = 11,000,000,000$ = هزینه استهلاک سالانه

(الف)

تولید ناخالص داخلی سرانه = $\frac{25 + 5/6 + 140 + 5 + 44}{20} - 11$ (میلیارد ۲۱۷۶)ریال $\frac{208,600,000,000}{20,000,000} = 10,430$

(ب)

میلیارد ریال $25 + 5/6 + 140 + 5 + 55 = 230/6$ = تولید ناخالص داخلی

(ج)

میلیارد ریال $25 + 5/6 + 140 + 5 + 44 - 11 = 208/6$ = تولید ناخالص ملی (میلیارد ۲۱۹/۶)

۲. ۷۴۳

تعداد خارجی‌های مقیم کشور $125,000,000 \times \frac{20}{100} = 25,000,000$ اتباعی که در داخل کشور سکونت دارند $125,000,000 - 25,000,000 = 100,000,000$ اتباع مقیم خارج از کشور $125,000,000 - 100,000,000 = 25,000,000$

(الف) تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال، داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور تولید می‌شود.

میزان تولید برنج توسط اتباعی که در داخل کشور سکونت دارند $100,000,000 \times 200 \times 100 = 2,000,000,000,000$ میلیارد دلار $2,000,000,000,000$ = دلار $2,000,000,000,000$ میزان تولید برنج توسط خارجی‌های مقیم کشور $25,000,000 \times 150 \times 100 = 375,000,000,000$ میلیارد دلار $375,000,000,000$ = دلار $375,000,000,000$ میزان تولید چای توسط اتباعی که در داخل کشور سکونت دارند $100,000,000 \times 250 \times 40 = 1,000,000,000,000$ میلیارد دلار $1,000,000,000,000$ = دلار $1,000,000,000,000$ میزان تولید چای توسط خارجی‌های مقیم کشور $25,000,000 \times 50 \times 40 = 50,000,000,000$ میلیارد دلار $50,000,000,000$ = دلار $50,000,000,000$ میلیارد دلار $2,000 \times 375 + 1,000 + 50 = 3,425$ = تولید ناخالص داخلی

(ب) تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال، توسط یک ملت تولید می‌شود.

میزان تولید برنج توسط اتباع مقیم خارج از کشور $25,000,000 \times 100 \times 30 = 75,000,000,000,000$ میلیارد دلار $75,000,000,000,000$ = دلار $75,000,000,000,000$ میزان تولید چای توسط اتباع مقیم خارج از کشور $25,000,000 \times 100 \times 50 = 125,000,000,000,000$ میلیارد دلار $125,000,000,000,000$ = دلار $125,000,000,000,000$ میلیارد دلار $2,000 + 1,000 + 75 + 125 = 3,200$ = تولید ناخالص ملیمیلیارد ریال $\frac{60}{100} \times 480 = 288$ = ارزش مواد غذایی (الف) ۳. ۷۳۵میلیارد ریال $\frac{50}{100} \times (480 \times 288) = 768$ = ارزش خدمات ارائه شدهتولید ناخالص داخلی $48 + 288 + 768 = 1,104$

توجه: به دلیل اینکه ارزش کالاهای واسطه‌ای در کالاهای نهایی نهفته است در محاسبات لحاظ نمی‌شود.

(ب) تولید ناخالص داخلی = $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت}}$ ریال $\frac{1,104,000,000}{20,000,000} = 55.2$ میلیارد ریال $145 + 44 + 33 = 222$ = تولید ناخالص داخلی (ب) ۴. ۷۳۶(الف) تولید ناخالص داخلی = $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت}}$ میلیون $\frac{222,000}{200} = 1,100$

۳. ۷۳۷

تولید ناخالص داخلی (GDP) $3200 + 80 + 350 + (\frac{1}{4} \times 80) = 3,650$ = میلیون ریالتولید ناخالص داخلی = $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت}}$ (الف) ۴. ۷۳۸ریال $\frac{281,500}{50} = 5,630$ = میلیونمیلیون ریال $7,500 \times 1 = 7,500$ = ارزش پوشاک (ب)میلیون ریال $2,500 \times 100 = 250,000$ = ارزش ماشین آلاتمیلیون ریال $250 \times 60 = 15,000$ = ارزش مواد غذاییمیلیون ریال $\frac{3}{5} \times 15,000 = 9,000$ = ارزش خدمات ارائه شدهتولید ناخالص داخلی (GDP) $250,000 + 7,500 + 15,000 + 9,000 = 281,500$ = میلیون ریال

(الف) ۳. ۷۳۹

تولید ناخالص داخلی = $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت}}$ ریال $\frac{171,000}{50} = 3,420$ = میلیونارزش خدمات ارائه شده $\frac{1}{3} \times 45 = 15$ (ب)میلیارد ریال $135 + 15 + 21 = 171$ = تولید ناخالص داخلیارزش خدمات ارائه شده $\frac{3}{5} \times 65 = 39$ (الف) ۱. ۷۴۰میلیارد ریال $165 + 39 + 15 = 219$ = تولید ناخالص داخلی (GDP)(ب) تولید ناخالص داخلی = $\frac{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}{\text{جمعیت}}$ ریال $\frac{219,000}{65} = 3,369$ = میلیون

تولید خارجی‌های مقیم کشور در تولید ناخالص ملی حساب نمی‌شود و تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند، محاسبه می‌شود. پس:

تولید خارجی‌ها - تولید مردم کشور که در تولید ناخالص ملی مقیم کشور خارج اقامت دارند + تولید ناخالص داخلی

 $260 = 250 + 40 - x$ $260 = 290 - x$ میلیارد ریال $x = 290 - 260 = 30$

ب) عدد به دست آمده با میزان تولید خالص داخلی در گزینه «۴» برابر است: بنابراین در همین مرحله به پاسخ درست دست یافتیم و دیگر نیازی به محاسبه بخش «ب» نیست، برای محاسبه تولید خالص داخلی سرانه باید تولید خالص داخلی را بر جمعیت تقسیم کنیم:

$$\frac{۲۶۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۵,۳۵۰$$

۴.۷۴۷ برای محاسبه تولید خالص داخلی باید تولید ناخالص داخلی را داشته باشیم: بنابراین ابتدا به قسمت «ج» پاسخ می‌دهیم. برای پاسخ به این بخش باید ارزش تولیدات داخل کشور را محاسبه کنیم:

ریال $۲۵۰۰ \times ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش ماشین‌آلات
ریال $۷۵۰۰ \times ۱,۰۰۰,۰۰۰ = ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش پوشاک
ریال $۲۵۰ \times ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش مواد غذایی
 $\frac{۳}{۵} \times ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش خدمات ارائه شده
در این مرحله، تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

مجموع ارزش تولیدات داخل کشور = تولید ناخالص داخلی

ارزش خدمات + ارزش مواد + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی
ارائه شده غذایی پوشاک ماشین‌آلات
 $۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۸۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰$

عدد به دست آمده با بخش «ج» در گزینه‌های «۲» و «۴» برابر است: بنابراین گزینه‌های «۱» و «۳» را حذف می‌کنیم: در این مرحله باید تولید خالص داخلی را محاسبه کنیم. هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی
ریال $۲۷۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - (۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲}{۳}) = ۲۷۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰$
عدد به دست آمده با میزان تولید خالص داخلی در گزینه «۴» برابر است: بنابراین در همین مرحله، به پاسخ درست دست یافتیم و دیگر نیازی به محاسبه بخش «ب» نیست، اما اگر بخواهیم تولید خالص داخلی سرانه را محاسبه کنیم:

$\frac{۲۷۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۵,۵۳۰$ = تولید خالص داخلی سرانه
ریال $۵,۵۳۰$

۱.۷۴۸

تولید ناخالص ملی	تولید ناخالص داخلی
ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۸۵	ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۸۵
$\frac{۲}{۳} \times ۳۰ = ۲۰$ = ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{۲}{۳} \times ۳۰ = ۲۰$
ارزش تولید مردم کشور که مقیم در خارج هستند: ۸۵	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۳۰
$۸۵ + ۲۰ + ۱۸۵ = ۲۹۰$	$۳۰ + ۲۰ + ۱۸۵ = ۲۳۵$

تولیدات ناخالص داخلی و ملی به دست آمد: اکنون با توجه به صورت سؤال تولید خالص داخلی و ملی را به دست می‌آوریم:

ب و ج) تولید خالص داخلی: $۲۳۵ - (\frac{۱}{۵} \times ۸۵) = ۲۱۸$

تولید خالص ملی: $۲۹۰ - (\frac{۱}{۵} \times ۸۵) = ۲۷۳$

الف) در نهایت تولید خالص داخلی سرانه را به دست می‌آوریم:

$\frac{۲۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۸۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۲۵۶۴/۷$

۴.۷۴۴ نرخ استهلاک \times قیمت سرمایه = هزینه استهلاک سالیانه

میلیون دلار $۱۲,۶۰۰ = ۱۰۵,۰۰۰ \times \frac{۱۲}{۱۰۰}$

نکته: مسئله، تولید خالص داخلی را داده است و با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به تولید کامل نیست، بهتر است از عدد تولید خالص داخلی برای حل مسئله استفاده کنیم.

الف و ب) هزینه استهلاک + تولید خالص داخلی = تولید ناخالص ملی
ارزش فعالیت خارجیان مقیم کشور - ارزش فعالیت افراد کشور که مقیم خارج اند + $۸۶,۰۰۰ - (۴۳۰,۰۰۰ + ۱۲,۶۰۰ + ۵۳,۰۰۰)$ = تولید ناخالص ملی
میلیون دلار $۴۰۹,۶۰۰$

میلیون دلار $۳۹۷,۰۰۰ - ۱۲,۶۰۰ = ۴۰۹,۶۰۰$ = تولید خالص ملی
استهلاک

میلیون دلار $۹,۹۲۵ = \frac{۳۹۷,۰۰۰}{۴۰}$ = سرانه تولید خالص ملی
(جمعیت) ۴۰

۴.۷۴۵ برای محاسبه تولید خالص داخلی باید تولید ناخالص داخلی را داشته باشیم: پس ابتدا بخش «ب» یعنی تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

ارزش خدمات + ارزش مواد + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی
ارائه شده غذایی پوشاک ماشین‌آلات
 $۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۸۱,۰۰۰,۰۰۰$ = تولید ناخالص داخلی
ریال $۳,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰ + (۸۱,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۹}) = ۳,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰$

عدد به دست آمده، تولید ناخالص داخلی است که با قسمت دوم گزینه‌های «۲» و «۴» برابر است. با مشاهده گزینه‌ها متوجه شویم که بدون محاسبه تولید خالص داخلی، نمی‌توانیم پاسخ درست را از بین این دو گزینه مشخص کنیم: بنابراین تولید خالص داخلی را به روش زیر محاسبه می‌کنیم:

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی
ریال $۳,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰ - (۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۱۸}) = ۳,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰$

۴.۷۴۶ الف) برای پاسخ به این سؤال، ابتدا ارزش تولیدات و خدمات داخل کشور را محاسبه می‌کنیم:

ریال $۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰ \times ۵۰,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش ماشین‌آلات
ریال $۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰ \times ۵۰۰,۰۰۰$ = ارزش پوشاک
ریال $۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۳۰,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش مواد غذایی
 $۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲}{۳}$ = ارزش خدمات
در این مرحله، تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

مجموع ارزش تولیدات داخل کشور = تولید ناخالص داخلی
ارزش خدمات + ارزش مواد + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی
ارائه شده غذایی پوشاک ماشین‌آلات
ریال $۲۷۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$

با مشاهده گزینه‌ها خواهیم دید که عدد به دست آمده در گزینه «۴» ذکر شده است: بنابراین گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» را حذف می‌کنیم: در این مرحله باید تولید خالص داخلی را محاسبه کنیم:

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی
ریال $۲۶۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۲۵}) = ۲۶۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$

۷۵۲. ۳ با محاسبه تولید داخلی شروع می‌کنیم:

(ج)

ارزش پوشاک + ارزش مواد غذایی + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور + ارزش خدمات +

$$\text{میلیارد ریال } 11 = \frac{1}{4} \times 44 = \text{ارزش تولید خارجیان مقیم کشور} \times \frac{1}{4} = \text{ارزش خدمات}$$

$$\text{میلیارد ریال } 205 = 150 + 11 + 44 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

(ب)

$$\text{ارزش تولید مردم کشور که در خارج ساکن‌اند} = \frac{2}{3} \times \text{هزینه استهلاك}$$

$$= \frac{2}{3} \times 45 = 30 \text{ میلیارد ریال}$$

هزینه استهلاك - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

$$= 205 - 30 = 175 \text{ میلیارد ریال}$$

$$5,000 = \frac{175 \text{ میلیارد ریال}}{35 \text{ میلیون}} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} \text{ داخلی سرانه}$$

الف) ارزش تولید خارجیان مقیم کشور - تولید خالص داخلی = تولید خالص ملی
ارزش تولید مردم کشور که در خارج ساکن‌اند +

$$\text{میلیارد ریال } 176 = 175 - 44 + 45 = \text{تولید خالص ملی}$$

۷۵۳. ۳ با محاسبه تولید ناخالص داخلی شروع می‌کنیم:

$$\text{میلیارد ریال } 15 = \frac{1}{3} \times 45 = \text{خدمات ارائه‌شده}$$

$$\text{میلیارد ریال } 21 = 1/5 \times 14 = \text{تولید خارجیان مقیم کشور}$$

$$\text{میلیارد ریال } 171 = 135 + 15 + 21 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 195 = 135 + 15 + 45 = \text{تولید ناخالص ملی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 181 = 195 - 14 = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\text{ریال } 3,140 = \frac{157}{50} = \frac{171 - 14}{50} = \text{تولید خالص مصرف داخلی سرانه}$$

۷۵۴. ۳ ابتدا ارزش خدمات ارائه‌شده را محاسبه می‌کنیم. با محاسبه تولید خالص داخلی سرانه، گزینه درست مشخص می‌شود.

$$\text{ارزش تولید خارجیان مقیم کشور} \times \frac{2}{3} = \text{ارزش خدمات ارائه‌شده}$$

$$= \frac{2}{3} \times 30 = 20 \text{ میلیارد ریال}$$

ارزش ماشین‌آلات + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک = تولید ناخالص داخلی
تولید خارجیان مقیم کشور

$$\text{میلیارد ریال } 235 = 185 + 20 + 30 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 17 = \frac{1}{5} \times 85 = \text{هزینه استهلاك}$$

هزینه استهلاك - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

$$\text{میلیارد ریال } 218 = 235 - 17 = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 2/56 = \frac{218}{85} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$$

تولید خارجیان - تولید مردم کشور که تولید = تولید
مقیم کشور در خارج اقامت دارند خالص داخلی خالص ملی

$$\text{میلیارد ریال } 273 = 218 + 85 - 30 = \text{تولید خالص ملی}$$

۷۴۹. ۲ در این سؤال، بین تولید داخلی و ملی تفکیک ایجاد شده است پس ابتدا باید تولیدات ملی و داخلی را از هم تفکیک کنیم.

موارد مربوط به تولید ناخالص داخلی	موارد مربوط به تولید ناخالص ملی
مجموع ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۶۵	مجموع ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۶۵
ارزش خدمات ارائه‌شده: $\frac{3}{5} \times 65 = 39$	ارزش خدمات ارائه‌شده: $\frac{3}{5} \times 65 = 39$
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۱۵	ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج: ۶۵
$165 + 39 + 15 = 219$	$165 + 39 + 65 = 269$

ج) یادتان باشد، همین‌طور که بخشی از مسئله را حل می‌کنید، به گزینه‌ها نگاه کنید و گزینه‌های نادرست را حذف کنید. قسمت «ج» تولید ناخالص داخلی را خواسته است که تاکنون به دست آوردیم (۲۱۹): پس گزینه‌های «۳» و «۴» نادرست هستند.

$$\text{میلیارد ریال } 259 = 269 - \left(\frac{2}{3} \times 15\right) = \text{تولید خالص ملی}$$

با توجه به پاسخ به دست آمده، گزینه «۲» درست است اما حل سؤال را ادامه دهید تا تسلطتان به حل مسئله بیشتر شود:

$$\text{میلیارد ریال } 209 = 219 - \left(\frac{2}{3} \times 15\right) = \text{تولید خالص داخلی}$$

ب) در نهایت تولید خالص داخلی سرانه را به دست می‌آوریم:

$$\text{ریال } 3,215 \approx \frac{209,000,000,000}{65,000,000}$$

۷۵۰. ۱

موارد مربوط به تولید ناخالص داخلی	موارد مربوط به تولید ناخالص ملی
ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۶۵	ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۶۵
ارزش خدمات ارائه‌شده: $\frac{2}{3} \times 30 = 20$	ارزش خدمات ارائه‌شده: $\frac{2}{3} \times 30 = 20$
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۳۰	ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج: ۸۵
$165 + 20 + 30 = 215$	$165 + 20 + 85 = 270$

تولید ناخالص داخلی ۲۱۵ میلیارد ریال به دست آمد، پس گزینه‌های «۳» و «۴» حذف شد. اکنون با توجه به صورت سؤال تولید خالص ملی را به دست می‌آوریم:

$$\text{میلیارد ریال } 253 = 270 - \left(\frac{1}{5} \times 85\right) = \text{تولید خالص ملی}$$

در نهایت تولید خالص ملی سرانه را به دست می‌آوریم:

$$\text{ریال } 2,300 = \frac{253,000,000,000}{110,000,000}$$

۷۵۱. ۳

موارد مربوط به تولید ناخالص داخلی	موارد مربوط به تولید ناخالص ملی
ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۴۵	ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۴۵
ارزش خدمات ارائه‌شده: $\frac{2}{3} \times 45 = 30$	ارزش خدمات ارائه‌شده: $\frac{2}{3} \times 45 = 30$
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۲۵	ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج: ۴۵
$145 + 30 + 25 = 200$	$145 + 30 + 45 = 220$

پاسخ سؤال در همین بخش مشخص شد: یعنی گزینه «۳» جواب سؤال است، اما برای یادگیری بیشتر ادامه می‌دهیم:

$$\text{تولید خالص ملی} = 220 - \left(\frac{3}{5} \times 25\right) = 205$$

$$\text{تولید خالص داخلی} = 200 - \left(\frac{3}{5} \times 25\right) = 185$$

در نهایت تولید خالص داخلی سرانه را به دست می‌آوریم:

$$\frac{185,000,000,000}{50,000,000} = 3,700$$

عدد به دست آمده تنها در بخش اول گزینه «۴» ذکر شده است: پس در این مرحله به پاسخ درست رسیدیم و دیگر نیازی به ادامه محاسبه نیست، اما برای تمرین بیشتر، افزایش قیمت در سال سوم را این گونه محاسبه می‌کنیم:

تولید کل سال سوم بر پایه تولید کل بر پایه = افزایش تولید ناشی از سال سوم قیمت جاری کالا در سال سوم = افزایش قیمت ثابت = $7,500 - 6,840 = 660$

۷۷۰. ۲ ابتدا به بخش «الف» این سؤال پاسخ می‌دهیم: محاسبه افزایش قیمت در سال دوم:

میزان تولید کل سال دوم (به قیمت ثابت) - میزان تولید کل در سال دوم (به قیمت جاری) = $4,840 - 4,230 = 610$ میلیارد ریال

در این مرحله اگر به گزینه‌ها نگاه کنیم، می‌بینیم که عدد به دست آمده فقط در قسمت اول پاسخ بخش «الف» در گزینه‌های «۱» و «۲» ذکر شده است و قسمت دوم این بخش از پاسخ در هر دوی این گزینه‌ها برابر عدد ۱,۲۰۰ است: پس بدون انجام محاسبه متوجه می‌شویم که این عدد برابر است با افزایش قیمت‌ها در سال سوم. در بخش «ب» تورم (افزایش قیمت) سال‌های دوم و سوم مورد پرسش قرار گرفته است که در بخش «الف» محاسبه شد. این بدین معنا است که پاسخ‌های بخش «الف» و «ب» باید برابر باشند. اگر به گزینه‌ها نگاه کنید می‌بینید که پاسخ‌های «الف» و «ب» در گزینه «۲» با هم برابرند.

۷۷۱. ۱ الف) تولید کل - تولید کل در سال دوم = افزایش مقدار تولید در سال پایه (به قیمت ثابت) در سال دوم

میلیارد ریال $4,230 - 4,000 = 230$ = افزایش مقدار تولید در سال دوم

تولید کل - تولید کل در سال سوم = افزایش مقدار تولید در سال پایه (به قیمت ثابت) در سال سوم

میلیارد ریال $4,760 - 4,000 = 760$

۷۷۱. ۱ الف) تولید در همان سال - تولید در سال مورد نظر = افزایش تولید کل ناشی از

(به قیمت ثابت) (به قیمت جاری) = افزایش قیمت (تورم) در یک سال

هزار میلیارد ریال $2,210 - 2,140 = 70$ = افزایش تولید کلی ناشی از افزایش قیمت (تورم) در سال دوم

۷۷۱. ۲ ب) تولید در سال پایه - تولید در سال مورد نظر = افزایش تولید کل (به قیمت ثابت) ناشی از افزایش تولید

هزار میلیارد ریال $2,280 - 2,000 = 280$ = افزایش مقدار تولید در سال سوم

۷۷۲. ۱ الف) هزار میلیارد ریال $3,600 - 3,500 = 100$ = افزایش مقدار تولید در سال دوم

ب) هزار میلیارد ریال $3,950 - 3,450 = 500$ = افزایش قیمت (تورم) در سال سوم

۷۷۳. ۴ الف و ج) تولید در سال دوم - تولید در سال سوم = تورم در سال دوم (افزایش قیمت) (به قیمت پایه) (به قیمت جاری) = قیمت‌ها در سال دوم

هزار میلیارد ریال $1,700 - 1,650 = 50$

تولید در سال سوم - تولید در سال دوم = تورم در سال سوم (افزایش قیمت) (به قیمت پایه) (به قیمت جاری) = قیمت‌ها در سال سوم

هزار میلیارد ریال $1,875 - 1,710 = 165$

تولید در سال پایه - تولید در سال دوم = افزایش مقدار تولید در سال دوم (به قیمت پایه)

هزار میلیارد ریال $1,650 - 1,500 = 150$

تولید در سال پایه - تولید در سال سوم = افزایش مقدار تولید در سال سوم (به قیمت پایه)

هزار میلیارد ریال $1,710 - 1,500 = 210$

۷۶۵. ۳ الف) $9,000 = \frac{828,000}{x}$ = درآمد داخلی = درآمد سرانه جمعیت

$x = \frac{828,000}{9,000} = 92$ میلیون نفر

۷۶۶. ۳ ب) (بهای خدمات سرمایه) سودها + حقوق‌ها + اجاره‌ها = درآمد داخلی

$828,000 = x + 220,000 + 310,000$

ارزش اجاره ← میلیون یورو $x = 298,000$

۷۶۶. ۴ در قسمت اول سؤال چون به دنبال افزایش واقعی تولید هستیم باید به سراغ ارقامی برویم که بر اساس قیمت‌های سال اول است، بنابراین افزایش مقدار تولید در سال دوم برابر است با: $6,800 - 6,200 = 600$

در قسمت دوم سؤال چون به دنبال افزایش قیمت‌ها یا همان تورم هستیم باید میزان تولید در سال دوم به قیمت جاری را منهای میزان تولید در سال دوم به قیمت ثابت کنیم: بنابراین:

$7,350 - 6,800 = 550$

۷۶۷. ۴ الف) محاسبه افزایش مقدار تولید در سال دوم

تولید کل در سال پایه (سال اول) - میزان تولید کل سال دوم (به قیمت ثابت) = هزار میلیارد ریال $5,360 - 4,500 = 860$

افزایش مقدار تولید در سال سوم

تولید سال پایه (سال اول) - میزان تولید سال سوم (با توجه به سال پایه) = هزار میلیارد ریال $7,820 - 4,500 = 3,320$

در گزینه‌های «۲» و «۴»، به این بخش از سؤال پاسخ درست داده شده است: بنابراین در این مرحله گزینه‌های «۱» و «۳» را حذف می‌کنیم:

۷۶۷. ۳ ب) تولید کل سال دوم - میزان تولید کل در سال دوم = افزایش قیمت‌ها (به قیمت ثابت) (به قیمت جاری) در سال دوم

هزار میلیارد ریال $5,750 - 5,360 = 390$

تولید کل سال سوم - میزان تولید کل در سال سوم = افزایش قیمت‌ها (به قیمت ثابت) (به قیمت جاری) در سال سوم

هزار میلیارد ریال $8,240 - 7,820 = 420$

ج) افزایش قیمت و تورم دو مفهوم یکسان هستند.

۷۶۸. ۲ الف و ج) افزایش قیمت‌ها به معنای پدیده تورم می‌باشد.

تولید کل به قیمت ثابت - تولید کل به قیمت جاری = تورم (افزایش قیمت‌ها) در سال دوم

در سال دوم $1,700 - 1,650 = 50$

تولید کل به قیمت ثابت - تولید کل به قیمت جاری = تورم (افزایش قیمت‌ها) در سال سوم

در سال سوم $1,875 - 1,710 = 165$

ب) تولید کل در - تولید کل به قیمت افزایش مقدار تولید سال پایه - ثابت در سال دوم = (رشد) در سال دوم

$1,650 - 1,500 = 150$ = افزایش مقدار تولید (رشد) در سال دوم

تولید کل در - تولید کل به قیمت افزایش مقدار تولید سال پایه - ثابت در سال سوم = (رشد) در سال سوم

$1,710 - 1,500 = 210$ = افزایش مقدار تولید (رشد) در سال سوم

۷۶۹. ۴ ابتدا میزان افزایش مقدار تولید را در سال سوم محاسبه می‌کنیم:

رشد تولید کل سال پایه (سال اول) - تولید کل سال سوم (با توجه به سال پایه)

هزار میلیارد ریال $6,840 - 6,000 = 840$

۷۷۹.۳ این مسئله دو راه حل دارد. $\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}} = \text{درآمد سرانه}$

درآمد سرانه کشور B = درآمد سرانه کشور A

$$\frac{\text{درآمد ملی کشور B}}{\text{جمعیت کشور B}} = \frac{\text{درآمد ملی کشور A}}{\text{جمعیت کشور A}}$$

$$\frac{100}{80} = \frac{\text{درآمد ملی کشور B}}{100} \Rightarrow \text{درآمد ملی کشور B} = \frac{100 \times 100}{80} = 125$$

درآمد ملی کشور B، ۲۵٪ نسبت به درآمد ملی کشور A بیشتر است.

روش دوم: فرض می‌کنیم که درآمد سرانه کشور A که مساوی «درآمد سرانه» کشور B است، d باشد. در این صورت درآمد ملی دو کشور برابر است با:

$$A \text{ کشور} = 80,000,000 \times d = 80,000,000d$$

$$B \text{ کشور} = 100,000,000 \times d = 100,000,000d = \frac{100,000,000}{80,000,000} \times 80,000,000d$$

$$= \frac{10}{8} = \frac{5}{4} = 1/25$$

به این ترتیب نسبت درآمد ملی کشور B به کشور A برابر است با ۲۵٪ اضافی؛ بنابراین درآمد ملی کشور B نسبت به درآمد ملی کشور A ۲۵٪ بیشتر است.

۷۸۰.۴ برای محاسبه میزان «تولید کل» سال ۱۳۸۹ برحسب قیمت‌های جاری باید هم افزایش قیمت را به تولید کل سال ۱۳۸۷ اضافه کنیم و هم افزایش مقدار «تولید» را. میزان تولید کل برحسب قیمت‌های جاری هزار میلیارد ریال $7,500 + 750 + 150 = 8,400$

چنانچه میزان «تولید کل» در سال ۱۳۸۹ را بخواهیم برحسب قیمت ثابت محاسبه کنیم، باید فقط افزایش تولید «۷۵۰» را به «تولید کل» سال ۱۳۸۷ اضافه کنیم. هزار میلیارد ریال $750 + 7,500 = 8,250$ = میزان تولید کل برحسب قیمت ثابت

۷۸۱.۱ میزان تولید کل برحسب قیمت‌های جاری هزار میلیارد ریال $7,000 + 2,500 + 2,000 = 11,500$

هزار میلیارد ریال $7,000 + 2,000 = 9,000$ = میزان تولید کل برحسب قیمت ثابت

۷۸۲.۳ برای محاسبه تولید کل به قیمت اسمی سال ۱۳۹۵، هر یک از مقادیر سال ۱۳۹۵ را در قیمت‌های سال ۱۳۹۵ ضرب کرده، سپس حاصل ضرب هر یک را با یکدیگر جمع می‌کنیم:

$$A \text{ کالای} = 50 \times 300 = 15,000$$

$$B \text{ کالای} = 600 \times 100 = 60,000$$

$$15,000 + 60,000 = 75,000 = \text{تولید کل به قیمت اسمی در سال ۱۳۹۵}$$

برای محاسبه تولید کل به قیمت واقعی سال ۱۳۹۵، هر یک از مقادیر سال ۱۳۹۵ را در قیمت‌های سال ۱۳۹۳ ضرب کرده و سپس حاصل ضرب هر یک را با یکدیگر جمع می‌کنیم.

$$A \text{ کالای} = 5 \times 200 = 10,000$$

$$B \text{ کالای} = 600 \times 40 = 24,000$$

$$10,000 + 24,000 = 34,000 = \text{تولید کل به قیمت واقعی سال ۱۳۹۵}$$

۷۸۳.۱ تولید کل در سال ۱۳۹۱ به قیمت اسمی

$$\text{ریال} = (400 \times 200) + (120 \times 500) = 140,000$$

$$\text{ریال} = (300 \times 200) + (60 \times 500) = 90,000 = \text{تولید کل در سال ۱۳۹۱ به قیمت واقعی}$$

$$\text{ریال} = (300 \times 150) + (60 \times 400) = 69,000 = \text{تولید کل در سال ۱۳۹۰ به قیمت واقعی}$$

$$\text{افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید در سال ۱۳۹۱}$$

$$\text{تولید در سال پایه} - \text{تولید در سال ۱۳۹۱ به قیمت واقعی} =$$

$$90,000 - 69,000 = 21,000 \text{ ریال}$$

$$\text{تورم در سال ۱۳۹۱}$$

$$\text{تولید در سال ۱۳۹۱ به قیمت واقعی} - \text{تولید در سال ۱۳۹۱ به قیمت اسمی} =$$

$$140,000 - 90,000 = 50,000 \text{ ریال}$$

۷۷۴.۴

سوم	دوم	اول	
۶,۷۴۰	۴,۲۵۰	۳,۰۰۰	تولید کل به قیمت جاری
۶,۳۲۰	۳,۸۶۰	۳,۰۰۰	تولید کل به قیمت ثابت

(الف) تولید کل در سال پایه - تولید کل به قیمت ثابت = افزایش مقدار تولید

$$= 3,860 - 3,000 = 860$$

تولید کل در سال دوم - تولید کل به قیمت ثابت = افزایش مقدار تولید

$$= 6,320 - 3,000 = 3,320$$

(ب و ج)

تولید کل به قیمت ثابت - تولید کل به قیمت جاری = افزایش قیمت‌ها

$$= 4,250 - 3,860 = 390$$

تولید کل به قیمت ثابت - تولید کل به قیمت جاری = افزایش قیمت‌ها

$$= 6,740 - 6,320 = 420$$

افزایش مقدار تولید = رشد

$$\text{افزایش قیمت‌ها} = \text{تورم}$$

$$4.775 \text{ ریال} = 500 \times 3,000,000 = 1,500,000,000$$

$$\text{ریال} = 3,500 \times 30,000 = 105,000,000$$

$$\text{ریال} = 100 \times 1,000,000 = 100,000,000$$

$$\text{ریال} = \frac{100}{100} \times 1,500,000,000 = 1,500,000,000$$

ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات + ارزش خدمات + ارزش مواد غذایی = GDP

ارزش تولید خارجیان مقیم کشور +

$$= 1,500,000,000 + 150,000,000 + 100,000,000$$

$$\text{ریال} = 1,875,000,000 = 1,500,000,000 + 200,000,000 + 100,000,000$$

۷۷۶.۳ با در نظر گرفتن فرمول رشد خواهیم داشت:

$$100 \times \frac{\text{GDP سال قبل} - \text{GDP سال جاری}}{\text{GDP سال قبل}} = \text{نرخ رشد تولید}$$

$$\frac{20}{100} = \frac{150,000,000 - 200,000,000}{\text{GDP سال ۲۰۰۹}}$$

$$150,000,000 - 100x = 20x$$

$$\Rightarrow 150,000,000 = 120x \Rightarrow x = 1,250,000$$

میلیون یورو $1,250,000$ - میلیون یورو $150,000$ = افزایش تولیدات

$$= 250,000 \text{ میلیون یورو}$$

۷۷۷.۱ اقتصاددانان سال معینی را به عنوان سال پایه انتخاب می‌کنند و ارزش

تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات در سال پایه (نه سال جاری) اندازه‌گیری می‌کنند؛ بنابراین تأثیر تغییرات قیمت در اندازه‌گیری تولید کل از بین خواهد رفت و تغییرات تنها بیانگر تغییر مقدار تولید کالاها و خدمات خواهد بود.

۷۷۸.۳ در قسمت اول سؤال چون به دنبال افزایش قیمت‌ها یا همان تورم هستیم باید میزان تولید در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به قیمت جاری را منهای

میزان تولید در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به قیمت ثابت کنیم:

$$2016 = 2,100 - 2,070 = 30 \text{ میلیون یورو}$$

$$2017 = 2,300 - 2,220 = 80 \text{ میلیون یورو}$$

در قسمت دوم سؤال چون به دنبال افزایش واقعی تولید هستیم، باید به سراغ

$$2016 = 2,070 - 2,000 = 70 \text{ میلیون یورو برویم.}$$

$$2017 = 2,220 - 2,000 = 220 \text{ میلیون یورو}$$